



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



فضائل و مصائب حضرت زهراء

از مجموعه استفتانات حضرت آیت الله العظمی روحانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضائل و مصائب حضرت زهرا عليها السلام

نويسنده:

آيت الله العظمي سيد محمد صادق روحاني

ناشر چاپي:

مهر اميرالمومنين (عليه السلام)

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
فضائل و مصائب حضرت زهرا علیها السلام	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۸
بخش اول: پرسش ها و پاسخ های پیرامون فضیلت های حضرت فاطمه (علیها السلام)	۱۶
اشاره	۱۶
۱. تفسیر روایت	۱۸
۲. مشکل فلسفی در روایت	۲۱
۳. پرسش هایی پیرامون حدیث	۲۳
۴. چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) «أُمُّ أَيْبِهَا» لقب یافت؟	۲۶
۵. حضرت فاطمه (علیها السلام) و پوشاندن چهره مبارک	۲۸
۶. حضرت فاطمه (علیها السلام) و عوارض زنانه	۳۰
۷. حضرت فاطمه (علیها السلام) و روایات دیدار سلمان	۳۰
۸. هماهنگی میان آزردن حضرت فاطمه (علیها السلام) و حرمت آنچه باعث آزار او گردد	۳۱
۹. آیا آنچه باعث آزار حضرت فاطمه (علیها السلام) گردد حرام است؟	۳۱
۱۰. جواز شفاخواستن از حضرت فاطمه (علیها السلام)	۳۳
۱۱. استغاثه به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)	۳۵
۱۲. برترین اعمال در آخرین ساعت روز جمعه	۳۶
۱۳. نماز استغاثه به حضرت زهرا (علیها السلام) یا دروازه برآمدن حوائج	۳۶
۱۴. مقام علمی حضرت زهرا (علیها السلام)	۳۷
۱۵. مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام)؛ شامل رویدادهایی است که اتفاق می افتد	۴۱
۱۶. مُصحف حضرت زهرا (علیها السلام)؛ وحی خداوند بر ایشان است	۴۳
۱۷. معنای حدیث	۴۴
۱۸. پرسش هایی پیرامون برخی فرازهای «حدیث کسا»	۴۵

- ۴۸ ۱۹. حضرت زهرا (علیها السلام) و داستان مباحله
- ۵۲ ۲۰. سالار بانوان گیتی حضرت مریم است یا حضرت زهرا (علیها السلام)
- ۵۴ ۲۱. مقام سیادت و سروری حضرت مریم و حضرت زهرا (علیهما السلام)
- ۵۶ ۲۲. مَهریه حضرت زهرا (علیها السلام)
- ۵۷ ۲۳. فرمان خدا به ازدواج حضرت زهرا (علیها السلام)
- ۵۸ ۲۴. فروغ معنوی حضرت زهرا (علیها السلام)
- ۵۹ ۲۵. حضرت زهرا (علیها السلام) یک بانوی عادی نیست
- ۶۱ ۲۶. رابطه میان شب قدر و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)
- ۶۲ ۲۷. دعای مخصوص حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)
- ۶۳ ۲۸. اثر سازنده ختم «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی فاطِمَه (علیها السلام)...» بر جنین
- ۶۴ ۲۹. شهادت در اذان به مقام سیادت و سروری حضرت فاطمه (علیها السلام)
- ۶۵ ۳۰. برتری تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر نافله
- ۶۶ ۳۱. برتری پرداختن به تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) پس از نماز
- ۶۷ ۳۲. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) تنها دختر پیامبر
- ۶۹ ۳۳. پاکیزه و دورداشتن حضرت زهرا (علیها السلام) از کار مکروه
- ۷۰ ۳۴. مقایسه مقام حضرت زهرا و امامان (علیهم السلام)
- ۷۰ ۳۵. آیا روایتی با مضمون روح القدس حضرت فاطمه صحت دارد؟
- ۷۱ ۳۶. اثبات سیلی خوردن حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و ماندن میان در و دیوار
- ۷۱ ۳۷. چرا پیامبر دست حضرت فاطمه (علیها السلام) را می بوسید؟
- ۷۲ ۳۸. حکم عالمی که عصمت حضرت زهرا (علیها السلام) را انکار کند
- ۷۳ ۳۹. حجاب حضرت زهرا (علیها السلام)
- ۷۳ ۴۰. حضور حضرت فاطمه (علیها السلام) در شهادتگاه امام حسین (علیه السلام)
- ۷۴ ۴۱. بوسیدن دست حضرت فاطمه (علیها السلام) توسط پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)
- ۷۶ بخش دوم: پرسش ها و پاسخ ها پیرامون مظلومیت و شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)
- ۷۶ اشاره
- ۷۸ ۴۲. ترتیب رنج هایی که بر حضرت زهرا (علیها السلام) فرود آمد

۴۳. داستان فدک ۷۸
۴۴. گستره فدک ۸۰
۴۵. داستان فدک داستانی عقیدتی است یا یک رویداد تاریخی؟ ۸۱
۴۶. فدک در خلافت امیرمؤمنان (علیه السلام) ۸۲
۴۷. اعتراض حضرت زهرا (علیها السلام) به حضرت علی (علیه السلام) یا آگاه نمودن مردم از اوضاع ۸۳
۴۸. جبران ضعف برخی از روایات غیر فقهی با شهرت عملی ۸۶
۴۹. امیرمؤمنان به هنگام هجوم به حضرت فاطمه (علیها السلام) ۸۸
۵۰. شکیبایی امیرمؤمنان به خاطر مصالح دین ۹۳
۵۱. هنگامه خطبه درخشان حضرت فاطمه (علیها السلام) ۹۴
۵۲. شکستگی دنده و پهلوی حضرت فاطمه (علیها السلام) در هجوم بیدادگران ۹۸
۵۳. شکستن پهلو و دنده را جز نادان و حق ناپذیر انکار نمی کند ۱۰۳
۵۴. مصیبت شکستن پهلوی حضرت زهرا (علیها السلام) موضوعی عقیدتی است ۱۰۳
۵۵. با تازیانه زدن حضرت زهرا (علیها السلام) ۱۰۴
۵۶. تکذیب به زنجیر کشیدن امیرمؤمنان ۱۰۴
۵۷. مفهوم شهادت در حدیث ۱۰۶
۵۸. زنده داشتن روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) به روایت چهل روز ۱۰۷
۵۹. اهمیت کتاب سلیم بن قیس ۱۰۸
۶۰. حکم کسی که مظلومیت حضرت فاطمه (علیها السلام) را انکار کند ۱۱۰
۶۱. انکار رنج ها و مصائب حضرت فاطمه (علیها السلام) و خروج از مذهب ۱۱۱
۶۲. سن شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) ۱۱۱
۶۳. صحت و سقم مصیبت های وارده به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۱۱۲
۶۴. دلیل پنهان بودن قبر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۱۱۳
- اعلامیه آیت الله روحانی در سالروز شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) ۱۱۴
- درباره مرکز ۱۱۸

فضائل و مصائب حضرت زهرا علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: روحانی، سید محمد صادق، 1303 -

عنوان و نام پدید آور: فضائل و مصائب حضرت زهرا علیها السلام / سید محمد صادق روحانی.

مشخصات نشر: قم: مهر امیرالمومنین (ع)، 1392.

مشخصات ظاهری: 110 ص.

فروست: مجموعه پرسش و پاسخ اعتقادی؛ 1.

شابک: 35000 ریال: 1-081-159-964-978

یادداشت: چاپ چهارم.

یادداشت: عنوان دیگر: فضائل و مصائب حضرت زهرا علیها السلام از مجموعه استفتانات حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مد ظله العالی.

عنوان دیگر: از مجموعه استفتانات حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مد ظله العالی.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- فضایل -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- مصائب -- پرسش ها و پاسخ ها

رده بندی کنگره: BP27/2/863ف6 1392

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: 3457594

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

فضائل و مصائب حضرت زهرا عليها السلام

سید محمد صادق روحانی

ضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مد ظله العالی

ص: 3

بخش اول: پرسش ها و پاسخ های پیرامون فضیلت های حضرت فاطمه (علیها السلام)

اشاره

ص:9

1. تفسیر روایت

«لَوْلَا كَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» چیست؟

س. تفسیر این حدیث شریف چیست که می فرماید:

«يَا أَحْمَدُ! لَوْلَا كَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛ (1) هان ای احمد! اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را، و اگر فاطمه نبود، من شما دو نفر را نمی آفریدم.

ج: باسمه جلت اسمائه

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَيْبِهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَيْنِهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا»؛ (2) من در سخنان همه علمای شیعه و بسیاری از

ص: 11

1- الجته العاصمه، ص 149 با اندک تفاوت در واژه ها؛ ضياء العالمين، ص 187 وكشف اللئالی عن جابر بسند وثيق وفي ذيله ثم قال جابر هذا من الاسرار التي امرنا رسول الله (صلى الله عليه وآله) بكتمانه الا عن اهله؟ وملتقى البحرين، ص 14، ومجمع البحرين.

2- بار خدایا! درود بفرست بر فاطمه و پدر او، و بر همسرش و دو فرزند او، و بر راز به امانت سپرده شده در وجود نازنین او.

دانشمندان اهل سنت و جماعت بسیار پژوهش نمودم و دریافتم که سرمایه و موادّ اصلی دنیای وجود ظاهری صدّیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از موادّ این جهان خاکی و فناپذیر نیست، بلکه بخش مادی و ظاهری آن وجود گرانبهایه، از بهشت پرتراوت و زیبای خدا و از بلندترین درختان و برترین میوه های آن است.

اما روح ارجمند آن بانوی بزرگ نیز که از سوی خداوند حکیم متناسب و هماهنگ با این جسم مبارک برگزیده شده، از رازها و اسرار الهی است که ما حقیقت آن را در نمی یابیم و نمی شناسیم. تنها چیزی که ما در این مورد درمی یابیم، همان چیزی است که بهوسیله روایات، رسیده و بیانگر آن است که روح تابناک حضرت فاطمه (علیها السلام) از فروغ عظمت و شکوه خدا آفریده شده است.

چنین مفهوم و سخنی را برخی از کتاب های روایی از جمله کتاب «معانی الأخبار صدوق» از امام صادق و او نیز از نیای گرانقدرش سالار پیامبران خدا آورده است که فرمود:

«خُلِقَ نَوْرُ فَاطِمَةَ قَبْلَ أَنْ يُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ...»؛ (1) نور وجود فاطمه پیش از آفرینش آسمان و زمین آفریده شد!

برخی از مردم پرسیدند: ای پیامبر خدا! آیا گوهر وجود فاطمه (علیها السلام) از انسانها نیست؟

ص: 12

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: فاطمه حوریه ای است در سیمای انسان، و خدا او را پیش از آفرینش آدم و عالم و دیگر ارواح انسانها... از فروغ تابناک خود آفرید.

«فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يُخْلَقَ آدَمُ...» (1).

با این بیان، با نگرش به محتوای این حدیث شریف قدسی که در بسیاری از مجموعه های روایی آمده است، این معما حل می شود که:

«لَوْلَا كَلِمَاتُ الْأَفْلَاكِ، وَ لَوْلَا عَلِيُّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛ اگر تو نبود، جهان را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را، و اگر فاطمه نبود، شما را پدید نمی آوردم، یعنی چه؟

و نیز روشن می گردد که چرا در روز رستاخیز به هنگام ورود فاطمه (علیها السلام) به بهشت پرتراوت و زیبای خدا، پیامبران از آدم گرفته تا دیگران به زیارت او می شتابند، و حتی سالار پیامبران خدا حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) به دیدار دخت فرزانه خویش می رود.

و نیز روشن می شود که چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از برانگیخته شدن مردم و پایان حسابرسی از آنان، نخستین کسی است که به سوی بهشت خدا می رود و تنها یک گروه از او پیشی می گیرد که آن گروه ارجمند نیز گروه فاطمه (علیها السلام) است.

ص: 13

2. مشکل فلسفی در روایت

«وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»

س. در کتاب «عوامل فاطمه الزهراء (علیها السلام)» به نقل از کتاب «مجمع النورین» فاضل مرندی و نیز از کتاب «ضیاء العالمین» علامه نباطی فتونی نیای بزرگ تر مرحوم صاحب جواهر از طرف مادر، حدیث شریف

«لَوْلَا كَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» به این صورت آمده است:

«لَوْلَا كَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛ اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را، و اگر فاطمه نبود، شما را پدید نمی آوردم.

و اینک پرسش این است که:

الف. آیا در این روایت، مشکل فلسفی، نظیر لزوم

«تَقَدُّمُ الشَّيْءِ عَلَى نَفْسِهِ» یا مشکل دیگر فلسفی نیست؟

ب. آیا این روایت از نظر فلسفی و از دیدگاه عقلی مورد پذیرش است؟

ج. خلاصه این که آیا این روایت را می توان به صورت منطقی تفسیر و تحلیل نمود؟ این پرسش بدان جهت است که برخی چنین پنداشته اند که این روایت با برخی باورها و عقاید مسلم دینی ناسازگار است و ادعا نموده اند که همه علمای ما، گوینده و معتقد به این روایت را در این مورد در اشتباه و بیراهه می پندارند.

ج: باسمه جلت اسمائه

الف. حقیقت این است که مشکل و محذور، تنها در علت آفرینش و ایجاد ممکن است و نه در هدف نهایی آفرینش؛ با

این بیان، اگر از آن حضرت به صورت مسامحه به هدف نهایی نیز تعبیر گردد، اشکال مورد اشاره پیش نمی آید. البته طرح کامل این بحث، فرصت و مجال گسترده ای می طلبد.

ب. اشکال و محذور فلسفی مورد اشاره تنها در علت موجه است، و اما برابر ظاهر روایت که پیشوایان معصوم هدف نهایی از آفرینش جهان باشند، در این صورت موردی برای اشکال و توهم یادشده نمی ماند.

ج. پس از آن که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) نه تنها برترین پدیده آفرینش که والاترین انسان شناخته شد، و پس از آن که آن حضرت سبب نیک بختی بشریت و عامل نائل آمدن بندگان کمالجوی خدا به جایگاه والای انسانی و کمالات معنوی و زندگی جاودانه عنوان یافت، و با عنایت به این نکته ظریف که درخشش آن وجود گرانبه و پابندگی و پویندگی راه و رسم مترقی او نیز در گرو وجود ارجمند علی و فاطمه و فرزندان معصوم آن دو وجود ارجمند (علیهم السلام) است، در آن صورت دورترین و نهایی ترین هدف آفرینش جهان و جهانیان برای اندیشمندان ژرف نگر قابل درک و دریافت است.

بهیژه که به جایگاه والای علی (علیه السلام) در قرآن بنگریم که می فرماید: «بَلِّغْ مَا نُنزِلُ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ مِنْ وَّلَايَةِ عَلِيٍّ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...»؛ ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت در مورد ولایت علی (علیه السلام) به سوی تو فرستاده شده است، آن را به مردم برسان؛ و اگر [چنین] نکنی پیام او را نرسانده ای؛ و

[در این راه هیچ نگرانی به دل راه مده که [خدا تو را از] گزند [مردم نگاه می دارد، چراکه خدا گروه کفرگرا را راه نمی نماید. (1)]

و نیز در مورد مقام پرفراز فاطمه (علیها السلام) بیندیشیم و به یاد داشته باشیم که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) او را نه در جایگاه دخت سرفراز خود، بلکه در مقام والای مادر گرانقدر پدر می خواند و از او به عنوان «أُمِّ أَيْبِهَا» تعبیر و تجلیل می فرمود.

با این بیان و این نکته ها، برای ما این پندار برخی روشن نشد که دلیل ناسازگاری این حدیث با باورهای استوار دینی در کجاست؟ و نیز در اشتباه و بیراهه پنداشتن کسی که این حدیث را باور دارد، برای ما سخنی قابل فهم و معنا به نظر نمی رسد.

3. پرسش هایی پیرامون حدیث

«وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»

س 1. آیا از دیدگاه شما درستی این حدیث قدسی ثابت است که می فرماید:

«يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ جَمِيعاً»؛ (2) ای احمد! اگر تو نبود، جهان را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را، و اگر فاطمه نبود، همه شما را پدید نمی آوردم؟

س 2. تفسیر و توجیه درست این روایت چگونه است؟

س 3. یکی از دانشمندان در مورد این حدیث چنین گفته است:

در این حدیث، گویی علت از نظر رتبه یا وجود یا هردو، بر معلول مقدم

ص: 16

1- مائده: آیه 67.

2- الجنة العاصمه، ص 149 با اندک تفاوت در واژه ها.

است؛ پس، اعتبار جزء دوم از نصّ اگر صحیح باشد، باعث تقدّم پدیده و همزمان و در یک لحظه باعث تأخر آن بر معلول خود می شود، و روشن است که تقدم پدیده بر وجود خود، به طور قطع باطل است.

افزون بر آن، اگر این حدیث به طور کامل درست شمرده شود، موجب تسلسل نزولی می گردد، که سخنی است باطل و نادرست؛ و اگر کسی در اندیشه شکستن این حلقه تسلسل در آید، به یک «دور» آشکار - که در بطلان آن تردیدی نیست - برخورد می کند. اینک تفسیر و ارشاد شما در این مورد چیست؟

ج: باسمه جلت اسمانه

1. فراز نخست روایت که می فرماید:

«لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» در بسیاری از کتابهای حدیثی ما رهروان مذهب اهل بیت و نیز کتاب های اهل سنت آمده است.

«قندوزی حنفی» این حدیث را آورده و «عجلونی» معنای آن را درست شمرده است.

اما فراز دوم حدیث، در کتاب وحید بهبهانی آمده است.

اما فراز سوم حدیث، در کتاب مجمع الثورین به نقل از بحرال معارف آمده است.

2. روایت مورد بحث به خاطر روشنی معنا و مفهوم، نیاز به توجیه ندارد، چراکه معنای حدیث این است که: وجود ارزشمند این پنج وجود مقدّس، میوه و رهاورد همه پدیده های هستی است، و آنان در حقیقت، هدف و غرض نهایی آفرینش افلاک هستند.

ص: 17

3. گرچه برابر دقت عقلی و آموزه های درست دینی، پدیدآورنده و هستی بخشِ ناچیزترین ذرات تا بزرگ ترین کهکشانها، تنها خدای یکتاست، اما در این حقیقت جای گفتگو نیست که قانون جهان شمول «علت» در نظام هستی، اصلی است که خرد انسان آن را اثبات نموده، و از ضروریات عقلی می شمارد، و همه بحث های عقلی و علمی نیز بر آن بنیاد می گردد.

افزون بر این، قرآن شریف این قانون جهان شمول عقلی و علمی را تصدیق می کند، و انسان نیز به طور طبیعی و فطری این اصل را درک و دریافت می دارد که هر پدیده مادی، علتی دارد که آن علت، به ظاهر باعث پیدایش آن شده است، اما پدیدآورنده هستی، تنها خدای یکتا و بی همتاست، و ذات پاک اوست که این قانون جهان شمول را بر کران تا کران هستی حاکم ساخته و جریان آفرینش و تدبیر جهان و جهانیان را با سلسله ای از علل و اسباب مقرر فرموده است؛ چراکه: «

أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأُمُورَ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا.»

و در کتاب منظومه، به این اصل نظر دارد که می گوید:

در منطق انسان توحیدگرا، هستی بخش یا بخشنده اصلی وجود، همان آفریدگار و تدبیرگر شئون هستی است، و سلسله علل و اسباب و قوانین طبیعی نیز آفریده و فرمانبردار آن علت العلل هستند، اما انسان مادیگرا بخشنده حرکت یا سلسله

علل و اسباب و قوانین طبیعی را آفریدگار می داند.

با این بیان، قانون علیت درست است، اما در ایجاد و پدیدآوردن، و نه هدف آفرینش و یا علت نهایی دیدن، وگرنه علت از معلول متأخر خواهد شد که باطل است. پس، اشکال فلسفی «تقدّم الشیء علی نفسه» در حدیث مورد بحث پیش نمی آید.

4. چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) «أمّ ابیها» لقب یافت؟

س. چرا پیامبر گرامی، دخترش فاطمه (علیها السلام) را «أمّ ابیها» خواند؟ آیا اطلاق این لقب به آن بزرگ بانوی دانش و کمال، نشانگر راز و جایگاه ویژه ای است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

شماری از علمای اهل سنت و در صدر آنان، صاحب «کفایه الطالب» تصریح نموده اند که پیامبر خدا از دخترش فاطمه (علیها السلام) به «أمّ ابیها» تعبیر می فرمود، و در نتیجه در بسیاری از کتاب های تاریخی، این تعبیر از پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مورد دخترش فاطمه (علیها السلام) آمده است، اما چرا و راز آن چیست؟

از واژه «أمّ» و نحوه استفاده آن در ادبیات و فرهنگ عرب، چنین دریافت می شود که در عرب، هر انجام رسان و گردآورنده کار بزرگ یا پیشگام در آن که پیروان و رهروانی داشته باشد را «أمّ» می نامند؛ به همین جهت است که به کاسه و پوششی که

مغز را در خود گرفته «أُمُّ الرَّأْسِ»، و به پرچمی که لشکری زیر آن گرد آمده اند

«أُمًّا» می گویند.

در قرآن نیز «أُمُّ الْكِتَابِ» برای لوح محفوظ به کار رفته است که می فرماید: «وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (1).

و نیز بر آیات محکم «أُمُّ الْكِتَابِ» اطلاق شده است که می فرماید: «هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» (2).

بنابراین، از تعبیر پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مورد دخترش حضرت فاطمه (علیها السلام) که او را «أُمُّ أَيْبُهَا» می خواند، با توجه به مقام والای معنوی آن حضرت - که آخرین فرستادگان خدا و سالار و برترین پیامبران و جلوه گاه کامل پیام و پیامبری به سوی همه بشریت است، و به گواهی روشن قرآن از روی شیفتگی و هوای دل سخن نمی گوید، بلکه همواره سنجیده و حکیمانه سخن می گوید (3) - چنین دریافت می شود که آن بزرگوار با این تعبیر در مورد آن بانوی بزرگ، در حقیقت بر آن است که دریایی پهناور بلکه اقیانوسی بی کرانه از فضیلت ها را با این تعبیر برای ما گرد آورد و عالمی بزرگ از مکارم اخلاقی و انسانی را که در وجود ارجمند حضرت فاطمه (علیها السلام) موج می زند، به ما نشان دهد، تا دنیایی از ارزش ها و گنجینه هایی از افتخارات بزرگ، که رسالت نبوی را آراسته و پایه های آن را برپا ساخته و امامت و

ص: 20

1- رعد، آیه 39.

2- آل عمران، آیه 7.

3- نجم، آیه های 3-4.

ولایت راستین را بنیان و استوار نموده است، در برابر دیدگان ما جلوه گر شود.

با این بیان، تعبیر پر معنای «أُمَّ أَيْبُهَا»، به روشنی جایگاهی پُرشکوه و عظمتی بی نظیر را برای آن بانوی معنویت و کمال ترسیم می کند.

5. حضرت فاطمه (علیها السلام) و پوشاندن چهره مبارک

س 1. آیا این سخن برخی درست است که حضرت فاطمه (علیها السلام) چهره و دو دست خود را به صورت کامل می پوشاند؟

س 2. اگر پاسخ مثبت است، با این که خدا در قرآن چنین کاری را برای ما واجب نساخته است، چرا آن دو بانوی بزرگ، چهره و دو دست خویشان را نیز به صورت کامل می پوشاندند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

1. هیچ فرد شایسته کرداری با بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه (علیها السلام) در خور مقایسه نیست، (1) چراکه او سالاربانوان در کران تا کران هستی است، و به نظر می رسد که این گونه پوشش و وقار آن حضرت، با دلایل قطعی به اثبات رسیده است.

2. اما در مورد این گونه پوشش در قرآن، نخست آن که قرآن به گونه ای نسبت به آشکار ساختن زینت و زیبایی، هشدار و به

ص: 21

1- لا یقاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ... نهج البلاغه، خ 2.

دوم آن که، بسیاری از احکام در قرآن نیست، و در سخنان پیشوایان معصوم آمده است و آن نصوص چنین پوششی را برای آن دو بانوی بزرگ اسلام بیان می کند.

و سوم آن که هیچ کس تردید نمی کند که پوشش و وقار ظاهری و برخاسته از پاک اندیشی و پاکی باطنی و اخلاقی، در زندگی انسان سدی در برابر بسیاری از تباهی ها و زشتی ها است، با این وصف آیا می توان چنین پنداشت که سروران بانوان گیتی این جهت را رعایت نمی کنند؟

ص: 22

1- «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْزَاقِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*» نور/ آیه 31. و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نگاه ناروا] فروبندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را جز آنچه خود هویداست آشکار ن سازند، و باید روسری خود را برگردن و سینه خود زنند و زیورهای خود را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم دین [خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد] نما [که] از زن [بی نیازند،] و [یا کودکانی که بر اندام های جنسی زنان آگاهی نیافته اند آشکار ن سازند، و پاهای خود را] به زمین [نکوبند تا آنچه از زیورهایشان نهان می دارند دانسته شود. ای ایمان آوردگان! همگی به سوی خدا روی به آورید، باشد که رستگار گردید.

6. حضرت فاطمه (علیها السلام) و عوارض زنانه

س. آیا حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز همانند دیگر بانوان خون می دید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

با پژوهش در نصوص، چنین دریافتیم که آن بزرگوار خون حیض و نفاس ندید، و در این مورد جایی برای تردید نمی بینم.

7. حضرت فاطمه (علیها السلام) و روایات دیدار سلمان

س. در برخی از منابع حدیثی، روایاتی هست که از اشتیاق حضرت فاطمه (علیها السلام) برای دیدار سلمان یا برخی از چهره های وزین و بافضیلت در صدر اسلام سخن می گوید، و من به عنوان یک شیعه، این ها را نمی پذیرم، جز آن که عالم و فقیهی بزرگ برایم شرح دهد.

ج: باسمه جلت اسمائه

1. من در سخنان همه علمای شیعه و بسیاری از دانشمندان اهل سنت پژوهش نمودم و دریافتیم که سرمایه و مواد اصلی دنیای وجود حضرت فاطمه (علیها السلام) از بهشت پرتراوت و زیبای خدا و از برترین میوه ها و درختان آن است، و روح ارجمند آن بانوی بزرگ نیز که از سوی خدای حکیم متناسب با این جسم مبارک برگزیده شده، از رازها و اسرار الهی است که ما حقیقت آن را نمی شناسیم. تنها چیزی که ما در این مورد درمی یابیم، همان چیزی است که بهوسیله روایات اسلامی رسیده، و بیانگر آن است که روح تابناک حضرت فاطمه (علیها السلام) از فروغ عظمت و

ص: 23

شکوه خدا آفریده شده است، و به همین جهت پیامبر خدا فرمود:

«فَاطِمَةُ حَوْرَاءٌ إِنْسِيَّةٌ...» (1) حضرت فاطمه (علیها السلام) حوریه ای است در سیمای انسان؛ بنا بر این روایات مورد نظر و پرسش، به باور من از مجعولات است. والله العالم.

8. هماهنگی میان آزردهن حضرت فاطمه (علیها السلام) و حرمت باعث آزار او گردد

س. آیا این پندار درست است که حضرت فاطمه (علیها السلام) از گفتار یا رفتاری که از جانب خدا تحریم نشده است، احساس ناراحتی و آزار نماید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از مقام والای آن حضرت بسی دور است که از گفتار یا رفتاری روا و شایسته در مورد خود ناخشنود گردد؛ چراکه بدون تردید او کسی است که به آنچه خدا خشنود گردد، خشنود می شود و از ناخشنودی خدا ناخشنود می شود و بس.

9. آیا آنچه باعث آزار حضرت فاطمه (علیها السلام) گردد حرام است؟

س. در کتاب نکاح آیت الله العظمی خوئی قدس سره چنین می خوانیم:

«... بلکه حتی اگر فرض گردد که نکاح امیر مؤمنان (علیه السلام) باعث آزردهن آن

ص: 24

1- این روایت با اندک تفاوت به این صورت نیز آمده است که پیامبر می فرمود: «إِنِّي فَاطِمَةُ حَوْرَاءٌ أَدَمِيَّةٌ!» دخترم، حضرت فاطمه حوریه ای است در سیمای آدمیان. الصّواعق المحرّقه/ ص 96؛ أسعاف الرّاعبين/ ص 173.

حضرت گردد، این کار حرام نیست؛ چراکه در جای خود بحث نمودیم که هیچ دلیلی بر حرمت کاری مباح که باعث آزرده شدن انسانی با ایمان گردد، نداریم، و موضوع مورد بحث از همین قبیل است؛ چراکه ازدواج دوّم در جای خود کاری است مباح و روا و مجرد پندار آزرده شدن حضرت فاطمه (علیها السلام) از آن، اقتضای حرمت آن را نمی نماید.»

اینک پرسش ما این است که آیا این سخن از مرحوم آیت الله العظمی خوبی است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اطمینان دارم که جمله «مجرد تأذی فاطمه (علیها السلام) لا یقتضی حرمته»، به طور قطع سخن آیت الله خوبی قدّس سرّه نیست؛ چراکه روایت رسیده از پیامبر از مسلمات است که فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي بُرِّيئِي مَا رَابَهَا وَ يُؤَدِّئِي مَا آذَاهَا»؛ (1) فاطمه پاره تن من است، آن چه او را ناراحت کند، مرا ناراحت می سازد و آن که او را بیازارد، مرا آزرده است.

از نکاتی که بر این اطمینان گواهی می دهد، استدلال پیش از این سخن است که می گوید: هیچ دلیلی بر حرمت کاری مباح که باعث آزرده شدن انسان مؤمن گردد، نداریم، چراکه در این مورد نکاح مجدّد باعث آزرده شدن حضرت فاطمه (علیها السلام) به عنوان بانویی با ایمان نیست، بلکه دلیل حرمت در این مورد، آزرده شدن حضرت فاطمه (علیها السلام) به عنوان پاره ای از وجود

ص: 25

ارجمند پیامبر خداست که بارها فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَعْزَبَهَا فَقَدْ أَعْزَبَنِي»؛ (1) پس، نیک بیندیش و تدبیر کن.

10. جواز شفاخواستن از حضرت فاطمه (علیها السلام)

س. اگر در دعای خویش بگویم: یا علی! و یا بگویم: بارخدایا به حق حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مرا شفا عنایت فرما؛ آیا این دعا و سخن درست است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

هیچ مانعی در این دو اسلوب از سخن و دعا وجود ندارد، زیرا همان گونه که روی آوردن به بارگاه خدا در طلب حاجت ها و خواسته ها، کاری درست و بدون اشکال است، توسل به محمد و آل محمد (علیهم السلام) و روی آوردن به وجود نورانی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نیز برای طلب حوائج، خواسته ها و واسطه قرار دادن آنان در بارگاه خدا کاری درست است؛ چون خود ذات بی همتای خدا آنان را واسطه فیض و رحمت خویش بر مخلوق قرار داده و مقام ولایت بر ناچیزترین ذرات تا بزرگ ترین کهکشانشان را به آنان ارزانی داشته تا به اذن خدا بر پناه دادن به همه مخلوقات و برآوردن نیازها و خواسته های آنها توانایی

ص: 26

1- فاطمه پاره وجود من است؛ پس، هر کس او را به خشم آورد مرا خشمگین ساخته است. خصائص نسایی، ص 35؛ صحیح بخاری، ج 5، ص 21.

درک و دریافت این حقیقت ظریف، مسأله ای است که همه نصوص شریف، ما را به سوی آن ارشاد و راهنمایی می کند. از آن جمله روایتی از امام صادق (علیه السلام) در چگونگی نماز استغاثه به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است که در آن بیان شریف می فرماید:

«ثُمَّ اسْجُدْ وَقُلْ مِنْهُ مَرَّةً: يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ اَغْثِيْنِي»؛ (2) سپس سجده کن و صد مرتبه با واسطه قراردادن حضرت فاطمه (علیها السلام) در پیشگاه خدا بگو: ای سرور من! ای فاطمه زهرا! پناهم بده.

و نیز آمده است که یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) به آن حضرت گفت:

«إِنِّي اخْتَرْتُ دُعَاءً» من جمله ای برای دعا و نیایش با خدا ساخته ام، که آن بزرگوار فرمود: اختراع خودت را رها کن و هنگامی که گرفتاری بر تو فرود آمد به سوی پیامبر خدا پناه ببر... تا آنجایی که می فرماید: در توسل به پیامبر خدا و واسطه قرار دادن او در بارگاه خدا، محاسن خود را به دست چپ بگیر و گریه کن و یا سیما و هیئت گریه کننده را به خود بگیر و بگو:

«يَا مُحَمَّدُ! يَا رَسُولَ اللَّهِ اُنْكُؤْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ حَاجَتِي»؛ (3) گفتی است که روایات در این مورد و این معنا به راستی فراوان است.

ص: 27

1- آل عمران، آیه 49.

2- مستدرک الوسائل، باب 22 از ابواب بقیه الصلوات المندویه، ح 3.

3- وسائل الشیعه، باب 28 از ابواب بقیه الصلوات المندویه، ح 5.

11. استغاثه به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

س. در نماز استغاثه به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) آمده است که: نمازگزار سجده می کند و می گوید:

«یا فاطمه أغيثینی» در این مورد، ناصبی ها به اتهام زدن پرداخته اند که گویی ما به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) یا به امامان نور (علیهم السلام) سجده می کنیم!

ما پاسخ این اتهام ناروا و زدودن این شبهه نابجا را به بیان روشنگر شما واگذار می کنیم تا با پاسخ روشن خود، مکر کینه توزان را بر طرف سازید.

ج: باسمه جلت اسمائه

سجده نمودن، تنها برای خداست، و استغاثه به بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) تنها به خاطر آن است که او نیز همانند امامان معصوم (علیهم السلام) دارای ولایت تکوینی است؛ و منظور از چنین ولایتی نیز عبارت است از قدرت بر تصرف در امور و شئون جهان هستی به صورت ایجابی و یا سلبی و یا فرمانبردار بودن عالم طبیعت از آنان در پرتو قدرت و خواست خدا و در طول قدرت و فرمانروایی او، و نه به صورت مستقل و جداگانه و در عرض آن.

به بیان دیگر، همان گونه که خدای حکیم قدرت انجام کارهای اختیاری و انتخابی را به ما داده است، به پیشوایان معصوم (علیهم السلام) این توانایی و فرمانروایی را داده است تا در امور و شئون عالم طبیعت به هر صورتی که بخواهند تصرف کنند، و هنگامی که این

قدرت بر تصرف در امور و شئون عالم طبیعت از آنان سلب گردد و یا از سوی آفریدگار و تدبیرگر هستی به آنان افاضه نشود، دیگر قدرت و فرمانروایی در امور و شئون جهان طبیعت را نخواهند داشت. از این مطلب آشکار می گردد که استغاثه به بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مستلزم شرک نیست و پندار شرک و ناسازگاری با توحید در این مورد، پنداری سست و بی اساس است.

12. برترین اعمال در آخرین ساعت روز جمعه

س. ما را به انجام کدام یک از نمازها و دعاها در آخرین ساعت عصر جمعه - که برترین ساعت دعا و مناجات است - راهنمایی می کنید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

به دعای سمات و دعای ندبه و نماز جعفر طیار و استغاثه به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام).

13. نماز استغاثه به حضرت زهرا (علیها السلام) یا دروازه برآمدن حوائج

س. دعای طلب سلامت و عافیت خواهی از بارگاه خدا چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در این مورد دعای عهد نیکوست، و نماز استغاثه به صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) تجربه شده است. نماز استغاثه به پرچمدار عاشورا حضرت قمر بنی هاشم، جناب عباس بن

ص: 29

علی (علیهما السلام) نیز همین گونه است.

14. مقام علمی حضرت زهرا (علیها السلام)

س. دوست دارم از جایگاه علمی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و وزن و اندازه دانش او آگاه گردم. می دانم که او سالار بانوان گیتی است و دارای همان جایگاه علمی است که به پدرش محمد (صلی الله علیه وآله) ارزانی شد، اما اینک در جستجوی روایتی هستم که بیانگر این مطلب باشد؛ زیرا نمی دانم چرا آن حضرت با آن که به برکت علم و دانش خود می دانست که از «فدک» ارث نمی برد، آن را مطالبه کرد؟

و نیز چرا ابوبکر ایشان را از حق خودش محروم ساخت؟

ج: باسمه جلت اسمانه

در کتاب عیون المعجزات از جناب سلمان و از عمّار در حدیثی آمده است که: حضرت فاطمه (علیها السلام) امیرمؤمنان را ندا داد و گفت:

«یا علی، اَدْنُ لِأَحَدٍکَ بِمَا کَانَ وَ بِمَا هُوَ کَائِنٌ وَ بِمَا لَمْ یَکُنْ إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ حَیْنَ تَقُومُ النَّاسُ»؛ (1) علی جان! نزدیک بیا تا از رخدادهای گذشته و حال و آینده و آنچه تا روز رستاخیز رخ خواهد داد، به شما خبر دهم!

و نیز در همین کتاب عیون المعجزات، ضمن حدیثی از خود آن حضرت آمده است که:

ص: 30

«وَأَنَا مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ النَّاسُ» (1)

و من از همان فروغ محمدی هستیم، و رخدادهای گذشته و حال و آینده و آنچه را تا روز رستاخیز رخ خواهد داد، می دانم.

این روایت را مرحوم صدوق در کتاب های خویش نظیر عیون و علل الشرایع و معانی الأخبار و... آورده است.

افزون بر آنچه آمد، روایاتی به این مضمون از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) رسیده است که گواه و اثبات این حقیقت هستند؛ نظیر این روایت که:

«أَنَّ الْأَيْمَةَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ فَاطِمَةَ

حُجَّجَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (2) پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) حجّت ها و

ص: 31

1- بحار الانوار، ج 43، ص 8.

2- از پیامبر آورده اند که در این مورد فرمود: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ ابْنَاتَهُ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنْ اهْتَدَى بِهِمْ هُدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. خدای فرزانه علی و هم‌تای ارجمند او و فرزندان او را حجّت های خویش بر مردم برگزید؛ آنان دروازه های دانش در میان امت من هستند؛ از این رو هر کس به آنان تمسک جوید، به راه راست راه یافته است. عوالم العلوم/ ج 11 / ص 78. و نیز از امیر مؤمنان است که خطاب به خود آن بانوی بزرگ فرمود: مَعَاذَ اللَّهِ! أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ، وَ أَبْرُّ وَ أَتَقَى وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوبِخَكَ بِمُخَالَفَتِي! وَ قَدْ عَزَّ عَلَيَّ مُفَارِقَتُكَ وَ فَقَدْ دَكَّ. إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بَدَّ مِنْهُ. وَاللَّهِ لَقَدْ جَدَّدْتَ عَلَيَّ مُصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ، وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكَ وَ فَقَدْ دَكَّ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. پناه بر خدا! به خدای سوگند که تو دانای تر و نیکوکارتر و پروا پیشه تر و گرامی تر و خداترس تر از آن هستی که من وجود گرانمایه ات را جز آنچه گفتمی بنگرم و یا میان من و تو جایی برای ناسازگاری باشد و من به خاطر آن، تو را مورد نقد و سرزنش قرار بدهم؛ پناه بر خدا! فاطمه جان! جدایی تو بسی بر من گران است، اما چه می توان کرد؟ این قانون آفرینش است و از آن گریزی نیست. به خدای سوگند که با شهادت جانسوزت مصیبت سهمگین رحلت پیامبر را بر من تجدید می کنی. حقیقت این است که فراق تو در این شرایط، از رحلت پیامبر نیز بر من سهمگین تر خواهد بود! بنابراین باید از این مصیبت فاجعه بار به خدا پناه برد که این مصیبتی است که از آن نمی توان آرامش دل یافت و سوگ بزرگی است که جایگزین نخواهد داشت. جلاء العیون شبر/ ج 1 / ص 217؛ بحار/ ج 43 / ص 187. و نیز از امام باقر آورده اند که فرمود: لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةَ اَوْحَى اللَّهُ إِلَى مَلِكٍ فَانْطَلَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ، ثُمَّ قَالَ: اِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ. بحار الانوار/ ج 43 / ص 65. هنگامی که حضرت فاطمه ولادت یافت، خدا به یکی از فرشتگان دستور داد که واژه مقدّس فاطمه را بر زبان محمد (صلی الله علیه و آله) جاری سازد؛ آن گاه خدا به او پیام داد که: من دانش و معنویت را جانشین غذای مادی برای تو ساختم. آن گاه امام باقر (علیه السلام) فرمود: وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ بِالْعِلْمِ. به خدای سوگند که آفریدگارش او را از علم و دانش سرشار ساخت. بحار/ ج 43 / ص 13. و نیز نظیر این روایت از امام عسکری که فرمود: نَحْنُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا. ما حجّت ها و برگزیدگان خدا بر آفریدگانش می باشیم، و حضرت فاطمه، حجّت راستین و پُرشکوه خدا بر ما می باشد. تفسیر اُطیب البیان/ ج 13 / ص 236. و نیز از امام مهدی (عج) که فرمود: وَ فِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. برای من، در وجود نازنین دخت والای پیامبر خدا، سرمشق و الگویی نیکوست. بحار الانوار/ ج 53 / ص 180؛ غیبت طوسی/ ص 173.

برگزیدگان خدا بر آفریدگانش هستند و فاطمه، حجّت راستین و پُرشکوه خدا بر آنان است.

و یا بسان این حدیث که می فرماید: فاطمه (علیها السلام) پاره ای از وجود پیامبر (صلی الله علیه وآله) است؛ از این رو خدا به خشنودی او خشنود و به

ص: 32

روشن است که این ملازمت و هماهنگی خشنودی و خشم خدا با او، نیازمند علم و دانش به همه چیزهایی است که خدا را خشنود و یا خشمگین می کند، و باز در شکوه دانش و خرد و جایگاه والای علمی حضرت فاطمه (علیها السلام) همین بس که چنین حجم عظیمی از دانش و معنویت، از راه آموزش های عادی و شناخته شده به دست نخواهد آمد.

و اما موضوع خشم و آزرده‌گی وجود گران قدر حضرت زهرا (علیها السلام)، به دلیل غصب خلافت شرعی امیرمؤمنان بود، و جریان غصب فدک نیز در جهت تضعیف اقتصادی آن بزرگوار و در تنگنا قراردادن او دنبال شد، زیرا آن حضرت در آن شرایط بحران زانخستین منتقد و بزرگ ترین مخالف جریان خلافت غاصب و

ص: 33

1- از پیامبر آورده اند که در وصف حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: «مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا، فَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي» هر کس این بانوی سرفراز را می شناسد که می شناسد، و هر کس نمی شناسد بداند که او پاره وجود و روح من است؛ پس، هر که او را بیازارد مرا آزرده است. نورالابصار/ ص 49؛ الفصول المهمه/ ص 150؛ نزهة المجالس/ ج 2 / ص 228. و می فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَعْضَبَهَا فَقَدْ أَعْضَبَنِي» فاطمه پاره وجود من است؛ پس، هر کس او را به خشم آورد مرا خشمگین ساخته است. خصائص نسائی/ ص 35؛ صحیح بخاری/ ج 5 / ص 21.

زورمدار بود، و نیز می دانیم که حضرت زهرا (علیها السلام) پس از آن که غاصبان در جریان سقیفه، شأن نزول و داستان فرود آیه قُربی بر پیامبر و آن گاه فراخواندن دخترش فاطمه و اعطای فدک به او را انکار نمودند، از راه ارث پدری، آن را مطالبه کرد، چون موضوع دفاع از حق و بازپس گرفتن آن از غاصب و ظالم، نه تنها یک عمل شرعی و اخلاقی که گاه لازم و واجب است، هم چنان که بر غاصب نیز بازگرداندن حقوق دیگران واجب است.

15. مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام): شامل رویدادهایی است که اتفاق می افتد

س. شب شهادت سالار بانوان گیتی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در یک مجلس مذهبی از سخنران آن، مطلبی در مورد قرآن حضرت فاطمه (علیها السلام) شنیدم، و چون من به راستی چیزی در مورد این قرآن نمی دانم، تقاضا می کنم مرا آگاه بفرمائید.

ج: باسمه جلت اسمائه

از معصوم (علیه السلام) در مورد مُصحف سالار بانوان حضرت فاطمه (علیها السلام) سؤال شد، در پاسخ فرمود: حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از رحلت جانسوز پیامبر هفتادوپنج روز در این جهان زیست در حالی که اندوهی بزرگ از غروب خورشید رسالت بر گستره قلب نازنین

ص: 34

او نشست. به همین جهت فرشته وحی در آن مدّت، گاه و بی گاه به دیدارش می آمد و برای آرامش خاطر بخشیدن به او در آن سوگ جانسوز، تسلیت می گفت و از شرایط و جایگاه والای پدرش در آن سرا او را آگاه می ساخت، و نیز از رویدادهای سختی خبر می داد که برای نسل ارجمندش در راه بود، و او به امیرمؤمنان می گفت و آن حضرت آن ها را می نوشت، در نهایت، مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) از این نوشته ها تشکیل شد.

در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمود: مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) نوشته ای است همانند قرآن، اما به خدای سوگند که حرفی از قرآن شما در آن نیست. در آن نوشته چیزی از حلال و حرام نیست، بلکه در آن علم و آگاهی از هر رویدادی است که روی خواهد داد. و این نوشته اینک نزد امام عصر (علیه السلام) است. [\(1\)](#)

ص: 35

1- در روایات بسیاری از پیشوایان راستین آمده است که: مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) نزد امامان اهل بیت (علیهم السلام) است؛ برای نمونه: در کتاب «صافی» به روایت از «بصائر الدّرجات» آمده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: فاطمه (علیها السلام) «مُصحفی» را به یادگار نهاد که نزد پیشوایان اهل بیت است. آن «مُصحف» نه قرآن خدا، اما سخنی از پیام اوست که بر فاطمه (علیها السلام) فرو فرستاده و پیامبر، آن را املا نموده و امیرمؤمنان آن را نوشته است. بصائر الدّرجات، ص 156، ح 14.

16. مُصحف حضرت زهرا (علیها السلام): وحی خداوند بر ایشان است

س. نظر شما در مورد سخن کسی که با اشاره به مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) می گوید: آن حضرت نخستین کسی است که در تاریخ اسلام دست به تألیف و نگارش زد و مُصحف را نوشت، چیست؟

آن گاه در این مورد می افزاید: واژه مُصحف از صَحَف به معنی اوراق است و در اینجا منظور همان ورق هایی است که حضرت فاطمه (علیها السلام) هر آنچه از مقررات شرعی، پند، اندرز، سفارش ها و توصیه ها از زبان پیامبر (صلی الله علیه وآله) می شنید را در آنها می نوشت، و آن اوراق به صورت کتابی شد و آن کتاب نزد ما مردم نیست، بلکه نزد پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) است؛ با عنایت به این مطلب که شماری از روایات معتبر در کافی و بصائر الدرّجات اشاره دارد که مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) از کلام فرشته وحی به حضرت زهرا (علیها السلام) است و آن مفاهیم و محتوا به املائی امیر مؤمنان است، نه سخن پیامبر در مورد مقررات دینی و پند و اندرز و سفارش های ایشان که به قلم حضرت فاطمه (علیها السلام) آمده باشد، نظر شما در این مورد چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

مُصحف مورد اشاره، نه از املائی امیر مؤمنان است، و نه احکام شرعی و نه پند و اندرز و سفارش های پیامبر به قلم حضرت فاطمه (علیها السلام)؛ بلکه مُصحف حضرت فاطمه (علیها السلام)، پرتویی از وحی و الهام خدا بر آن حضرت است، و امیر مؤمنان نگارنده چیزی بود که بر حضرت فاطمه (علیها السلام) وحی و الهام می شد، و آن نوشته اینک نزد وجود گرامی امام عصر (علیه السلام) است.

«نَحْنُ حُجَّهَاللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَفَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا»

س الف. در روایتی از پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) آمده است که:

«نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَفَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا»؛ (1) ما حجت خدا بر آفریدگانش هستیم، و فاطمه، حجت خدا بر ما. به نظر شما معنی «حُجَّة» و منظور از آن چیست؟

ب. آیا معنای حدیث این نیست که حضرت زهرا (علیها السلام) به دلالت این حدیث که حجت خدا بر فرزندان معصوم (علیهم السلام) خویش است، از آنان برتر است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

الف. به نظر می رسد که منظور از کلمه «حُجَّت»، معنای لغوی آن، یعنی دلیل و راهنما است. منظور از آن، چیزی است که به آن استدلال و به وسیله آن رهنمود داده می شود. با این بیان معنای حدیث این می شود که: خدا بر مردم به وسیله عبادت و فرمانبرداری و تسلیم در برابر مقررانش به مرحله ای که پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) رسیده اند استدلال می کند و بر اهل بیت (علیهم السلام) نیز در صورتی که لازم آید، به آن جایگاه پرفرازی که مادر گران قدرشان حضرت فاطمه (علیها السلام) اوج گرفته است

ص: 37

1- این روایت از امام عسکری به این صورت آمده است که فرمود: نَحْنُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَفَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا. ما حجت ها و برگزیدگان خدا بر آفریدگانش می باشیم، و فاطمه، حجت راستین و پُرشکوه خدا بر ما می باشد. تفسیر اُطیب البیان/ ج 13 / ص 236. مترجم.

استدلال می کنند. والله العالم.

ب. پاسخ این پرسش از سخنی که گذشت دریافت می گردد، چراکه در این بیان منظور شأنیت و شایستگی احتجاج و استدلال است، و نه فعلیت آن. آری، اگر از سوی آنان در کاری کوتاهی گردد، به وسیله او استدلال می شود، اما هرگز نه از سوی آنان در انجام وظایف کوتاهی می گردد و نه نیازی به احتجاج و استدلال پیدا می شود.

و این بیان تنها نشانگر جایگاه پرفرازی است که آن حضرت به وسیله عبادت خالصانه خدا و فرمانبرداری از او و تسلیم در برابر مقررات خدا به آن، اوج گرفته است، و اگر فعلیت هم اراده شود، به نوعی نشانگر برتری او از یک جنبه و جهت است و نه برتری مطلق او بر آنان.

18. پرسش هایی پیرامون برخی فرازهای «حدیث کسا»

س. در سایه تردید و تردیدافکنی در سند حدیث معروف کسا در منتخب و عوالم، این پرسش ها مطرح است:

1. آیا در مورد تصحیح سند و توثیق راویان آن اندیشیده اید؟

2. نظرتان در مورد دلالت حدیث چیست؟

3. چرا خدا در پاسخ پرسش جبرئیل جریان را از حضرت فاطمه (علیها السلام) آغاز می کند و او را مدار و محور پاسخ قرار می دهد و با آن که پیامبر برترین موجودات است، از او آغاز نمی کند؟

ص: 38

4. راز اجازه خواستن جبرئیل از پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای ورود به کسا، پس از اجازه گرفتن از خدا چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

1. سند حدیث که از «صاحب عوالم العلوم قدّس سرّه» آغاز و به صحابی بزرگوار، «جابر بن عبدالله رضوان الله علیه» پایان می پذیرد، در نهایت اعتبار است و در میان روایان آن، کسی که در امانت و ثقه بودن آن بتوان اندک چون و چرا و گفتگو نمود، جز «قاسم بن یحیی» کسی به چشم نمی خورد، که او هم به نظر ما مورد توثیق و اعتماد است؛ چراکه جناب «بنظی» - که جز از افراد ثقه و مورد اعتماد روایت نمی کند - از او روایت نموده است.

با این بیان با صرف نظر از نقل روایت از او به وسیله «بنظی» نیز، خود درستی و صحّت سند برای جناب «بنظی» برای معتبر بودن او و آن روایت کافی است و نیازی به نگرش به احوال روایان پس از او نیست؛ چراکه جناب «بنظی» از کسانی است که علمای ما در نقل حدیث بر صحیح شمردن روایتی که از او نقل شده است، اجماع نموده اند؛ پس، حدیث شریف کسا از نظر سند بدون خدشه و اشکال، از احادیث صحیح به شمار می رود.

2. افزون بر آن، مضمون و محتوای حدیث شریف به راستی عالی و سرشار از فضیلت ها و کمالات محمد و آل محمد (علیهم السلام) است، که این مضامین و مفاهیم در روایات بی شمار و معتبری وارد شده است؛ بنا بر این، در محتوا و مضامین حدیث شریف و

دلالت آن، چیزی برای تردید به نظر نمی رسد.

3. شاید نکته این که حدیث از صدیقه طاهره (علیها السلام) آغاز می گردد، آن باشد که وجود ارجمند او، محور و مدار ورشته گردآورنده میان نور رسالت و امامت آسمانی است؛ زیرا از روایات بیانگر «عالم انوار» چنین دریافت می گردد که دو نور پرشرافت رسالت و امامت، از آغاز آفرینش، یک نور بود و در وجود پاکان روزگاران از نسلی به نسل دیگر انتقال یافت تا به وجود پرشرافت جناب عبدالمطلب رسید، و در آنجا بود که خدا آن فروغ مبارک را به دو بخش تقسیم نمود. بخشی از آن فروغ که نور رسالت و نبوت بود در وجود جناب عبدالله قرار گرفت و بخش دیگر که نور امامت آسمانی بود در وجود ارجمند ابوطالب، و این دو فروغ تابناک از هم جدا بود تا بار دیگر در وجود نورانی صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) به هم پیوست و وجود ارجمند حضرت فاطمه (علیها السلام) قرارگاه و دیدارگاه آن دو نور شد و آن حضرت به دیدارگاه دو نور رسالت و امامت و نقطه پیوند و گردآمدن دو دریای بی کران فضیلت و جلوگاه دو مقام والای نبوت و ولایت آسمانی عنوان یافت؛ و به همین جهت هم، حدیث شریف کسا به نام بلند و پرشکوه او آغاز می شود و نام ارجمند ایشان پیش از آمدن نام هر یک از آن انوار الهی به صورت جداگانه آورده می شود، تا آن دو نور رسالت و امامت محور باشند و دو نور وجود امام حسن و حسین (علیهما السلام) بر گرد آن بگردند.

ص: 40

4. شاید راز اجازه خواستن فرشته وحی از پیامبر بدون واسطه، پس از اجازه گرفتن از خدا برای حضور در کسا به همراه محمد و آل محمد (علیهم السلام) این باشد که حقیقت پرشکوه و شرافتی که در زیر آن کسا و درون آن بود مقام پرفراز و جایگاه بلندی بود که جز محمد و آل محمد (علیهم السلام) به آن نایل نیامد، و آنچه در وجود فرشته وحی با آن عظمت و مقام والایش می گذشت، نایل آمدن به آن مرتبه رفیع بود و به همین جهت هم برای کسب یقین به رسیدن به آن مقام و جایگاه، پس از اجازه گرفتن از خدا برای حضور در کسا به همراه محمد و آل محمد (علیهم السلام) بار دیگر از پیامبر (صلی الله علیه وآله) اجازه گرفت.

و نیز محتمل است که اذن و اجازه خدا، به صورت طولی و در گرو اجازه خواستن از پیامبرش بود، و به همین جهت هم بر فرشته وحی لازم شد تا پس از اجازه گرفتن از خدا، از پیامبر (صلی الله علیه وآله) او نیز اجازه بخواهد، چراکه اذن خدا در گرو اذن پیامبر (صلی الله علیه وآله) او و مشروط بر آن بود.

19. حضرت زهرا (علیها السلام) و داستان مباحله

س. در داستان مباحله می خوانیم که پیامبر گرامی به فرمان خدا(1) وجود

ص: 41

1- در این مورد قرآن می فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنْ آيَاتِنَا فَذَرْهُ وَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ لَوْ كُنْتُمْ عَادِلِينَ» پس از دانشی که در مورد مسیح به تو رسید، هر کس درباره او با تو به ستیزه پرداخت، بگو: بیاید ما پسرانمان را فراخوانیم و شما نیز پسرانمان را، ما زنانمان را و شما نیز زنانمان را، ما خودمان را و شما نیز خودتان را؛ آن گاه «مباحله» کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. آل عمران/ آیه های 61/59. این آیات روشنگر، از رخدادی بزرگ - که از هنگام رخ دادن آن تا کنون در میان مردم مسلمان از شهرت بسیاری برخوردار است - سخن دارد. تمام مفسران و محدثان - جز شماری چند - بر این باورند که این آیه، هنگامی بر پیامبر فرود آمد که میان او و مسیحیان «نجران» گفتگویی درباره مسیح (علیه السلام) به میان آمد؛ چراکه اسقف بزرگ آنان، مسیح را پسر خدا می پنداشت و با این آیه مخالفت میورزید که: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ...» بی تردید وصف آفرینش عیسی، نزد خدا همانند وصف آفرینش آدم است. خدا او را از خاک آفرید و به او فرمود: «موجود باش! پس وجود یافت.» به همین جهت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به فرمان خدا برای نشان دادن راستی دعوت خود، آنان را به مباحله فراخوند و در ساعت مقرر دست در دست عزیزترین هایش به میعادگاه آمد و دست به دعا برداشت و از علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) خواست تا آمین بگویند. هیئت «نجران» با تماشای چهره های پر معنویت آنان، از تصمیم خویش پشیمان شد و درخواست صلح و مسالمت داد. محدثان و مفسران بر آنند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در جریان «مباحله»، از میان همه مردان و زنان و کودکان، تنها علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را به همراه برد، و با آن که همسران و عمه های او و دیگر زنان لایق هاشمی و مهاجر و انصار بودند؛ همین تنها بردن حضرت فاطمه (علیها السلام) با وجود تعبیر آیه به «نِسَائِنَا وَنِسَائِكُمْ»، نشانگر آن است که تنها حضرت فاطمه (علیها السلام) سراپا شایسته حضور در «مباحله» بود، و این امتیاز از اوست که پیامبر (صلی الله علیه وآله) تنها او را برگزید. پیامبر (صلی الله علیه وآله) اما فرمود: اگر خدا در روی زمین بندگانی برتر از علی، فاطمه، حسن و حسین داشت، به من دستور می داد که با آنان به «مباحله» بروم، اما چون نبود، دستور آمد که با اینان بروم، و این سند برتری آنان است. ینابیع الموده/ ص 244.

ارجمند حضرت فاطمه (عليها السلام) و همسرش امير مؤمنان و دو نورديده اش

ص: 42

آنان فرمود: هنگامی که من دعا کردم، شما آمین بگویید؛ پرسش این است که چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) آنان را به این کار فرمان داد؟

حقیقت این است که ما از یک اهل علم شنیدیم که راز این کار و این فرمان را چنین توجیه می نمود:

معنی این کار و این فرمان آن است که: من رسول خدا با این وصف و مقام که خاتم پیامبران هستم، دعایم از نظر مقتضی برآورده است و خواسته ام از بارگاه خدا تضمین شده است، اما شرط فعلیت یافتن آن اقتضا و تحقق آن دعا، نفس پاک صدیقه طاهره (علیها السلام) است که باید آن وجود پاک با دست گشودن به سوی آسمان و آمین گفتن خود، شرط این فعلیت و تحقق را فراهم آورد. این شرط را وحی الهی چنین مقرر فرمود و سیره و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر آن جاری شد؛ اما در این مقام، جای این بحث است که اگر این توجیه را بپذیریم، معنایش این است که شرط پذیرفته شدن خواسته و دعای پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، آمین صدیقه طاهره (علیها السلام) است، و می دانیم که اثرگذاری مقتضی در گرو شرط آن است، و در مقام مباحله نیز، شرط بر آمدن خواسته و پذیرفته شدن دعای پیامبر (صلی الله علیه وآله) در داستان مباحله با مسیحیان نجران نیز در گرو بالارفتن دست های مبارک چهار وجود مقدس دیگر، یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) است، در غیر این صورت دعای پیامبر (صلی الله علیه وآله) تحقق نمی یابد؛ آیا توجیه این عالم به اینجا نمی انجامد؟

در روایات مورد اعتماد و کلمات علمای بزرگ، وجوه دیگری نیز برای همراه بردن حضرت فاطمه و فرزندان (علیهم السلام) به مباحله بیان شده است؛ برای نمونه در روایتی مورد اعتماد از امام رضا (علیه السلام) آمده است که در پاسخ پرسش مأمون - که از برترین فضیلت امیر مؤمنان (علیه السلام) در قرآن می پرسید - فرمود:

«آیَةُ الْمَبَاهِلَةِ تَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ...»؛ برترین فضیلت امیر مؤمنان (علیه السلام) در قرآن شریف آیه مبارکه مباحله است.

و نیز یکی از بزرگ ترین علمای دین در پاسخ این پرسش که در آیه مباحله، قراردادن زنان و فرزندان در کنار پیامبر به چه معنا و مفهوم است؟ چنین پاسخ داده است:

این سبک از قراردادن زنان و فرزندان در کنار نفس نفیس پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تأکید بر اعتماد و اطمینان قلبی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر حقانیت موضع و یقین داشتن او به درستی دعوتش می باشد؛ چراکه وقتی کسی جرئت می کند تا افزون بر خطر نمودن در کاری به بهای جان شیرین خود، عزیزترین ها و محبوب ترین ها و پاره های جگرش را نیز در راه

هدف خویش در معرض خطر قرار دهد، اقدام به این کار بزرگ و پرخطر، از سویی نشانگر درستی دعوت و صداقت او در گفتار است، و از سوی دیگر نشان دهنده اعتماد او به نابودی طرف مقابل و خاندان و عزیزان او در صورت حق ستیزی است؛ و او با این ایمان و یقین به همراه عزیزترین هایش به مباحله برمی خیزد تا هدف خود را تحقق

بخشد و دشمن اصلاح ستیز را یا به راه درست آورد و یا به همراه عزیزانش به بوته هلاکت و نابودی بسپارد.

20. سالار بانوان گیتی حضرت مریم است یا حضرت زهرا (علیها السلام)

س. خدا در قرآن شریف به صراحت آیه مبارکه، حضرت مریم، دختر عمران را «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» نامیده است، با این وصف چگونه ما بگوییم که حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) سالار بانوان گیتی یا «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» است؟ آیا این سخن با صراحت قرآن شریف ناسازگار نیست؟

افزون بر این، ما به برخی از روایات رسیده از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) استدلال می کنیم که می فرماید: «إِنَّ مَرْيَمَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا» اما آیا این سخن با بیان قرآن ناسازگار به نظر نمی رسد که می فرماید:

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ*» (1) و هنگامی را [به یاد آور] که فرشتگان گفتند: ای مریم! به یقین خدا تو را برگزیده و پاک [و پاکیزه] و ساخته و تو را بر زنان گیتی برتری بخشیده است؟

درجه اعتبار این احادیث با وجود آیه شریف چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در قرآن کریم عبارت «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» نیامده، بلکه این جمله در روایات و تفاسیر آمده است. قرآن در مورد حضرت

ص: 45

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ*» (1) و هنگامی را [به یاد آور] که فرشتگان گفتند: ای مریم! به یقین خدا تو را برگزیده و پاک [و پاکیزه] ساخته و تو را بر زنان گیتی برتری بخشیده است.

در تفسیر این آیه آمده است که: گزینش مریم پاک از جانب خدا، گزینش از میان بانوان و دختران معاصر و روزگار مریم بر مادری مسیح و به دنیا آوردن آن پیامبر بزرگ، به صورت باکره و بدون دست زدن بشری بر آن دختر پاک و پاکیزه بود؛ اما روایات رسیده در وصف و ستایش «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»، نشانگر هماهنگی و انطباق آنها با وجود ارجمند حضرت فاطمه (علیها السلام) به صورت اطلاق است و نه مقید به برترین بانوی روزگار خود بودن، که وصف حضرت مریم (علیها السلام) مادر مسیح است.

با این بیان، کمترین مخالفتی میان این بیان و آیه شریفه وجود ندارد، بهویژه اگر بر این باور باشیم که بیان مفاهیم و معارف و آموزه های قرآن و تأویل آن از حقوق اختصاصی خاندان عصمت است، درست همانگونه که در قرآن به صراحت چنین آمده است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (2) اما

ص: 46

1- آل عمران / آیه 42.

2- «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» اوست آن کسی که این کتاب را بر تو فرستاد. برخی از آن، آیات محکم است [و پیام آن روشن]، که آن ها بنیاد کتاب است، و [برخی دیگر] متشابه است [و تأویل پذیر]. اما کسانی که در دل هایشان کژی است، از [آیات] آن، آنچه را متشابه است پی می گیرند تا فتنه جویی کنند و در پی تأویل [دلخواه] آن بر آیند، با آن که تأویل آن را جز خدا و فرورفتگان در دانش، کسی نمی داند؛ و آنان هم [می گویند: ما به] همه [آن ایمان آوردیم. سراسر] آن [از نزد پروردگار ماست؛ و جز خردمندان کسی به خود نمی آید. آل عمران / آیه 7.

کسانی که در دل هایشان کژی است، از [آیات] آن، آنچه را متشابه است پی می گیرند تا فتنه جوئی کنند و در پی تأویل [دلخواه] آن بر آیند، با آن که تأویل قرآن را جز خدا و فرورفتگان در دانش، کسی نمی داند....

گفتنی است که «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» یا فرورفتگان در دانش، به امامان اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر شده است.

21. مقام سیادت و سروری حضرت مریم و حضرت زهرا (علیهما السلام)

س. برخی می گویند که حضرت فاطمه (علیها السلام)، سالار بانوان گیتی نیست، چراکه این فضیلت به بیان قرآن شریف، به حضرت مریم اختصاص یافته است که می فرماید:

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصَّ طَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛⁽¹⁾ و هنگامی را به یاد آور که فرشتگان گفتند: ای مریم!

ص: 47

به یقین خدا تورا برگزیده و پاکیزه ساخته و تورا بر زنان گیتی برتری بخشیده است.

با این بیان، آن روایاتی که دلالت بر برتری صدیقه طاهره فاطمه (علیها السلام) دارد در برابر این آیه مبارکه تاب ایستادگی ندارد؛ آیا این سخن درست است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

به هنگام تعارض و رویارویی میان آیه و حدیث، باید به سراغ مرجحات رفت و در آن مورد جستجو نمود و عالمانه و فنی تصمیم گرفت و انتخاب نمود، اما هنگامی که روایات، تفسیرگر آیه باشد، در آن صورت باید بر معنای آن ملتزم گردید، چراکه نپذیرفتن سخن معصوم (علیه السلام) در حقیقت نپذیرفتن کتاب خداست.

آیه مورد بحث بدون روایت، دارای دو وجه و دو احتمال است:

الف. یکی احتمال گزینش مریم (علیها السلام) به عنوان برترین بانوی روزگار خویش؛

ب. و دیگر احتمال گزینش مریم (علیها السلام) به عنوان برترین بانوی روزگاران؛ هر دو احتمال ممکن است، اما هنگامی که به راستی روایتی از جانب پیشوایی معصوم (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه برسد و منظور و مفهوم آیه شریفه را به صورت روشنی بیان کند، و به هر پژوهشگر و انسان حقجو توضیح دهد که حضرت فاطمه (علیها السلام) پاره وجود پیامبر برگزیده خداست، و در پیشگاه خدا و رسول او دارای جایگاهی است که خدا به خشنودی او خشنود می گردد و به

ص: 48

خشم او خشمگین، و اوست که سالار بانوان عالم در همه عصرها و نسل هاست، در آن صورت دیگر جایی برای این سخن نمی ماند که: آیه شریفه بر روایت یا روایات مقدّم است.

22. مهریه حضرت زهرا (علیها السلام)

س. آیا ممکن است در مورد مهریه ای که حضرت فاطمه (علیها السلام) از امیرمؤمنان خواست، آگاهی بدهید، و روشنگری بفرمایید که آیا ازدواج آن حضرت با علی (علیه السلام) به تصمیم پیامبر (صلی الله علیه وآله) و یک تکلیف الهی بود، یا با هماهنگی پیامبر (علیه السلام) با حضرت فاطمه (علیها السلام) و همراه با انتخاب و اختیار او؟

ج: باسمه جلت اسمائه مرحوم کلینی(1) در کتاب شریف کافی آورده است که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) به حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: دخترم! ازدواج تو، نه از سوی من و در زمین انجام گرفت، بلکه از سوی خدا و در آسمان ها انجام شد و مهریه تو نیز تا آسمان ها و زمین برپاست، یک پنجم این جهان است.

و نیز در روایت دیگری در این مورد آمده است که

ص: 49

1- مرحوم «محمد بن یعقوب رازی»، مشهور به «ثقه الإسلام کلینی»، صاحب کتاب کافی از دانشمندان نامدار مذهب اهل بیت (علیهم السلام) است، که در سال 329 از هجرت در بغداد جهان را بدرود گفت و قبرش در بازار بغداد است.

امیر مؤمنان (علیه السلام) زره خود را به پانصد درهم فروخت و بهای آن را به حضرت فاطمه (علیها السلام) تقدیم نمود.

23. فرمان خدا به ازدواج حضرت زهرا (علیها السلام)

س. ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام) با امیر مؤمنان (علیه السلام) برابر خواست و فرمان خدا بود، زیرا ازدواج نور با نور بود، آیا ازدواج مردم عادی نیز به تقدیر و قضای الهی انجام می پذیرد و کار ازدواج در حقیقت به دست خداست و اختیار اندیشه و تصمیم و انتخاب رایج زن و مرد، اختیاری ظاهری و پنداری است یا انتخاب و اختیاری واقعی است و آنان تصمیم ساز و تصمیم گیرنده اند؟

ج: باسمه جلت اسمانه

در این حقیقت، همه سرنوشت مشترکی دارند که از کران تا کران هستی، هر چیز و هر کاری برابر فرمان تکوینی و اندازه گیری خدا، یا «قضا و قدر الهی» - که نفی کننده اختیار انسان نیست - صورت می گیرد، اما ظاهر روایات بیانگر آن است که ازدواج این دو نور پرفروغ رسالت و امامت، با فرمان خدا به پیامبرش انجام پذیرفت؛ وگرنه فرمان استجابی ازدواج که جهانشمول است برای همه آمده است.

روشن است که ازدواج در شرایط عادی برای انسان، مستحب مؤکد است، اما انجام ازدواج برابر فرمان تکوینی و اندازه گیری

ص: 50

خدا، یا «قضا و قدر الهی» چنان نیست که از انسان سلب اراده و اختیار نماید و او را مجبور به آن سازد. بهترین دلیل این سخن، ندای وجدان هر انسان و تلاش هر فرد و خانواده ای برای گزینش بهتر در این مورد است.

24. فروغ معنوی حضرت زهرا (علیها السلام)

س. بخشی از روایات رسیده در فضائل و کمالات معنوی حضرت فاطمه (علیها السلام) بیانگر آن است که آفرینش نور آن حضرت پیش از آفرینش آسمان و زمین بوده است؛ نظر شما درباره شخصی که پیرامون این روایات دستخوش تردید شود، چیست؟ البته با عنایت به این نکته که سخت گیری در سند برخی از روایات، نظیر روایت «سدیر صیرفی» - که مرحوم شیخ صدوق آن را در معانی الأخبار آورده است - آن را از دایره اعتبار خارج نمی کند. (1)

ج: باسمه جلت اسمائه

من از دیرزمان به روایات اهل بیت (علیهم السلام) در این موضوع مراجعه کرده و روایات معتبری دیده ام که بر این حقیقت دلالت و راهنمایی می کند؛ پس، کسی که در این موضوع تردید دارد اگر به روایات مراجعه نماید و باز هم در همان حالت تردید باقی بماند، من نه او را تکفیر می کنم و نه مورد طعن و عیبجویی قرار

ص: 51

می‌دهم، بلکه می‌گویم دین تو برای خودت و دین من هم از آن من؛ اما اگر بدون مراجعه به روایات، در این موضوع تردید ورزد، باید خود را به یک عالم ژرف‌نگر دینی معرفی کند تا در بهبود حال او تدبیری بیندیشند.

25. حضرت زهرا (علیها السلام) یک بانوی عادی نیست

س. فردی در مورد شخصیت و کمالات معنوی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) و حضرت خدیجه (علیها السلام) و حضرت مریم و حضرت آسیه همسر توحیدگرا و حق طلب فرعون، چنین می‌گوید:

... و هنگامی که بعضی از مردم از برخی خصوصیات غیر عادی و فراطبیعی در شخصیت این بانوان نامدار تاریخ بشر سخن می‌گویند، ما در وجود آنان خصوصیتی جز ظرفیت گسترده طبیعی و شرایط مطلوب و فضای مساعدی نمی‌یابیم که به آنان، چنان امکان رشد و بالندگی روانی و عقلی و التزام

عملی به منطق و منس نیک و آراستگی به ارزش‌ها و معیارهای والایی داده است که توانستند مایه‌ها و استعدادهای طبیعی خود را در راه بالندگی و شکوفایی، متوازن و هماهنگ سازند و در میدان زندگی پیشرفت نمایند؛ بر این اساس لزومی ندارد که به وجود ویژگی‌های فراطبیعی و غیبی در وجود و شخصیت آنان معتقد شد، چراکه در مقام اثبات نمی‌توان برای چنین ویژگی‌هایی به قطع و یقین رسید...

نظر شما در مورد گوینده این سخن که گویی مقام معنوی این بانوان بزرگ

و تاریخ ساز را نادیده گرفته و رشد و شکوفایی شگفت انگیز آنان را رهاورد تلاش و کوشش بسیار و وجود شرایط مطلوب و امکانات طبیعی برای رشد و اوج می بیند، چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

هرگز مادر ارجمند امامان معصوم (علیهم السلام) یا «أُمُّ الْأَيْمَةِ» حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را نمی توان با دیگر زنان روزگاران گرچه اهل دانش و فرهنگ و رشد و معنویت باشند، مقایسه نمود؛ چراکه آن حضرت از نظر منشأ آفرینش چنان بود که خدا به پیامبر معصوم خویش با آن نیایش و عبادت و معنویت، باز هم فرمان داد تا چهل روز به نیایش و عبادت و ریاضت معنوی پردازد، آن گاه از بهشت زیبا برای او میوه آمد تا بخورد، تا وجود زمینی فاطمه (علیها السلام) از آن میوه های بهشتی پدید آید، و هنوز دیده به جهان نگشوده با مادرش سخن گوید! و پس از ولادت، چنان در راه کمال و جمال اوج گیرد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دست او بوسه زند و آن وجود ارجمند را «أُمُّ أَيْمِنَا» خطاب نماید!

چنین وجود مبارکی بدون تردید دارای امتیازات ویژه ای است؛ و هم اوست که جبرئیل برایش، وحی و پیام الهی را می آورد و او محدّثه می شود.

زنان نامدار و بامعنویت دیگر، نظیر حضرت زینب (علیها السلام) نیز ممکن است در پرتو اندیشه بلند و دانش و بینش عمیق و منش و عملکرد شایسته خود، به مقامات والای معنوی برسند؛ چنان که

ص: 53

عَلَّامَهُ مَاقَانِي فِي مَوْرِدِ عَقِيلِهِ بَنِي هَاشِمٍ حَضْرَتِ زَيْنَبَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنين می نویسد: من در مورد شخصیت والای حضرت زینب (علیها السلام)، نه می توانم بگویم که او دارای مقام والای عصمت است، و نه می توانم این ویژگی بزرگ و باشکوه را از او نفی کنم.

با این بیان، بانوان بزرگ و بامعنویتی چون حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) و حضرت خدیجه (علیها السلام) و حضرت مریم (علیها السلام) افزون بر همه کمالات و امتیازات عادی، دارای ویژگی فراطبیعی بودند و نمی توان آنان را با سایر بانوان، حتی اگر از نوابغ و خوبان و شایستگان روزگار باشند، مقایسه نمود. (1)

26. رابطه میان شب قدر و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

س. چه رابطه ای میان شب مبارک قدر و شخصیت با معنویت صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) وجود دارد؟

ج: باسمه جلت اسمانه

در تفسیر صافی ذیل آیه های آغازین سوره مبارکه دخان می فرماید:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * حم * وَالْكِتَابِ الْمُبِیْنِ * اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ مُبَارَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنْذِرِیْنَ * فِیْهَا یُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِیْمٍ» (2) به نام خداوند مهرگستر مهربان حا، میم. سوگند به این کتاب

ص: 54

1- لایقاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ،... نهج البلاغه/ خ 2.

2- دخان/ آیه های 4-1.

روشنگر، که ما آن را در شبی خجسته فرورستادیم، چراکه ما بیم دهنده ایم. در آن شب، هر کار استواری مشخص می گردد.

در ذیل این آیات آورده اند که: مردی مسیحی از امام کاظم (علیه السلام) از باطن این آیات پرسید، آن حضرت فرمود: اما منظور از «حم»، وجود ارجمند محمد (صلی الله علیه وآله) است، و منظور از «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» یا کتاب روشنگر، امیرمؤمنان (علیه السلام) است، و منظور از «لَيْلَهُ مُبَارَكَةٌ» یا کلمه شب، وجود مبارک حضرت فاطمه (علیها السلام) است، و اما این سخن که: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» در آن شب، هر کار استواری مشخص می گردد، به این حقیقت اشاره دارد که از آن بانوی بزرگ، خیر و برکت بسیاری به جهان و جهانیان خواهد رسید؛ اَمَّا حَمٌ * فَهُوَ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه وآله)، وَ اَمَّا الْكِتَابُ الْمُبِينُ فَهُوَ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (علیه السلام)، وَ اَمَّا اللَّيْلَةُ، فَفاطمه (علیها السلام)، وَ اَمَّا قَوْلُهُ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ...

کوتاه سخن آن که، همانگونه که شب پربرکت قدر، برای مردم مایه رحمت و برکت است، وجود گران قدر مادر امامان معصوم (علیهم السلام)، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز مایه خیر و رحمت بسیاری برای جهان و جهانیان است.

27. دعای مخصوص حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

س. دعایی است مشهور و معروف که چنین است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ أَبْنِئِهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا

ص: 55

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (1)

آیا خواندن این دعا در قنوت جائز است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر به عنوان ورود خوانده شود، جائز نیست؛ اما به عنوان مطلق دعا و نیایش با خدا، نه تنها جائز که نیکوست.

28. اثر سازنده ختم «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام)...» بر جنین

س. من در روایات و دروس و سخنرانی‌ها و کتابهای مهم، بسیار جستجو نمودم تا از دعاها و مفاهیم و دستورات دینی، چیزهایی بیابم که انجام و رعایت آنها از آغاز تشکیل جنین تا مراحل مختلف تربیت کودک و نوجوان، در فرزندان انسان اثر نیک می‌گذارد و آنان را به راه هدایت و ایمان و پیروی از مذهب اهل بیت (علیهم السلام) راهنمایی می‌کند، اما چیزی که نظر و خواسته مرا تأمین کند نیافتم؛ از آنجایی که من بسیار در این اندیشه ام و دوست دارم که فرزندم - که اینک در مرحله جنین است - در آینده انسانی دانشمند و حافظ قرآن و خدمتگزار امام حسین (علیه السلام) تربیت شود، از

ص: 56

1- بار خدایا! از تو خاضعانه می‌خواهم که به حق فاطمه و پدر او و همسرش و دو فرزندش و راز به امانت سپرده شده در وجود نازنین او، که درود بفرستی بر محمد و خاندان محمد و به رحمت و مهر خودت با من چنان رفتار کنی که خود شایسته آن هستی و چنان رفتار نکنی که من شایسته آن هستم ای مهربان‌ترین مهربانان!

شما - که خدا وجود مبارکتان را حفظ نماید - تقاضا دارم مرا به منابع و مصادر و نوشته هایی در این جهت راهنمایی فرمایید که برای رسیدن به این آرزو از کدام دعاها و اذکار استفاده کنم؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در این مورد خواندن با اخلاص دعای عهد و زیارت عاشورا در هر روز، اثر دارد؛ و از ختم های مؤثر نیز آن است که با طهارت و اخلاص و در جایی دور از چشم دیگران، 530 مرتبه این دعا را زمزمه کنید که:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَيْبُهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»؛ بارخدا یا! درود و سلام بفرست بر وجود گرامی حضرت فاطمه و بر پدر گران قدر او و همسر ارجمند او و دو فرزندش و بر راز به امانت سپرده شده در وجود نازنین او، به شمار آنچه علم و دانش بی کران تو آن را فراگرفته است.

29. شهادت در اذان به مقام سیادت و سروری حضرت فاطمه (علیها السلام)

س. آیا نمازگزار هنگام اذان و اقامه، افزون بر شهادتها و گواهی های سه گانه، می تواند به قصد رجاء و تقرب به خدا، نه به قصد ورود و جزء بودن آن، شهادت بر مقام سیادت و سروری حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را

ص: 57

نیز اضافه کند یا نه؟ به عنوان مثال، پس از شهادت بر یکتایی خدا و رسالت محمد (علیها السلام) چنین بگوید:

... أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَوْلَادَهَا الْمَعْصُومِينَ حُجَّجُ اللَّهِ...؟

ج: باسمه جلت اسمائه

هیچ اشکال و ایرادی در رُحجان گواهی به ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) در اذان و اقامه نیست، بلکه از شعائر مذهب شیعه است که سزاوار نیست کسی آن را ترک کند؛ اما گواهی به ولایت فرزندان معصوم (علیهم السلام) آن حضرت به قصد ذکر و یاد خدا نیکوست، و نه به قصد ورود؛ همین گونه است گواهی به این حقیقت که حضرت فاطمه (علیها السلام) آراسته به ویژگی عصمت، و سرور بانوان دو عالم است.

30. برتری تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر نافله

س. کدام یک از این دو کار بزرگ عبادی و معنوی، از نظر ثواب و پاداش برتر است، انجام نماز نافله مغرب و عشاء یا پرداختن به تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)؟

ج: باسمه جلت اسمائه

تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از نظر ثواب و پاداش برتر است؛ چراکه در حدیثی معتبر از امام باقر (علیه السلام) آورده اند

ص: 58

که فرمود:

«ما عبد الله بشيء من التمجيد أفضل من تسبيح فاطمه، ولو كان شيء أفضل منه لنحله رسول الله فاطمة»؛ خدای فرزانه به وسیله چیزی برتر از تسبیحات حضرت فاطمه (علیها السلام) پرستش نشده است. اگر شیوه ای برای پرستش خدا برتر از این بود، پیامبر آن را به دخت گرانمایه اش ارمان می داد. (1)

و در روایتی دیگر از امام صادق (علیه السلام) آورده اند که فرمود: تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) هر روز پس از نماز، از هزار رکعت نماز برایم محبوب تر است.

و نیز فرمود: هر کس با تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام)، خدا را خالصانه ستایش نماید، به راستی او را فراوان یاد کرده است.

گفتنی است که روایات بیانگر برتری ثواب و پاداش تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) بسیار است.

31. برتری پرداختن به تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) پس از نماز

س. پس از سلام نماز جماعت، کدام یک از این دو کار عبادی و معنوی، از نظر ثواب و پاداش برتر است، نخست فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) و بعد پرداختن به تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)؟ یا نخست

ص: 59

پرداختن به تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) و آن گاه فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام)؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در حدیثی معتبر از امام صادق (علیه السلام) آورده اند که فرمود: نمازگزار آگاه و بامعنویت پس از سلام نماز، مطلقاً تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را بر هر کاری، حتی بر فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) مقدم می دارد.

32. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) تنها دختر پیامبر

س. در مورد شمار دختران پیامبر، میان تاریخ نگاران و محدثان بحث و گفتگوست، که آیا حضرت زینب، رقیه و أم کلثوم نیز دختران آن حضرت هستند یا دختران خدیجه و یا دختران هاله، خواهر خدیجه (علیها السلام) هستند و آن بانوی بزرگ، به خاطر منش و اخلاق نیکو و امکانات بسیار، آنان را همچون فرزندان خود زیر بال محبت مادی و معنوی خود گرفت و اداره نمود و در سایه بلندپایه پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وآله) تربیت کرد؟

روایاتی با سند صحیح و معتبر رسیده است که: چون رقیه دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) از دنیا رفت، آن حضرت فرمود: به گذشتگان صالح و نیکوکاران بپیوند... (1)

و در کتاب کافی با سلسله سند خود از محمد بن یحیی، و از احمد بن

ص: 60

محمد، و از بکیر، و از زراره و او نیز از امام صادق (علیه السلام) آورده است که فرمود: حضرت فاطمه (علیها السلام) به امیر مؤمنان (علیه السلام) وصیت کرد که پس از او با دختر خواهرش ازدواج نماید و آن حضرت نیز چنین کرد. (1)

و نیز در مقنعه شیخ مفید و تهذیب شیخ طوسی در دعای روزهای ماه رمضان در صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان نور، از قول پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) چنین آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رَقِيهِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنِ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنِ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا...؛ بار خدایا درود فرست بر رقیه دختر پیامبرت و بر کسی که پیامبرت را در رفتار با او آزد، لعنت فرست. بار خدایا درود فرست بر اُم کلثوم دختر پیامبرت و کسی که پیامبرت را در مورد او آزد، لعنت کن.

و نیز برخی از روایات و دعاها نشانگر آن است که آنها دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند و نه دختران حضرت خدیجه و یا هاله؛ اینک نظر شما چیست؟

ج: باسمه جلت اسمانه

من در این مورد پژوهش و تحقیق نموده ام و همچون گروهی از علمای پیشین، نظیر مرحوم سید مرتضی بر این باورم که حضرت خدیجه (علیها السلام) به هنگام ازدواج با پیامبر خدا، دوشیزه بود و به هنگام عقد، 40 ساله نبود بلکه 24 ساله بود؛ بنا بر این،

ص: 61

بی تردید آنان دختران خواهر حضرت خدیجه (علیها السلام) بودند، نه دختران او و پیامبر (صلی الله علیه وآله).

33. پاکیزه و دورداشتن حضرت زهرا (علیها السلام) از کار مکروه

س. روایتی در مسند حضرت فاطمه آمده است که گویی آن حضرت چنین فرمود:

«مَرَّ بِي رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَا مُضْطَجِعَةٌ مُتَّصِبَةٌ، فَحَرَكَنِي بِرِجْلِهِ وَقَالَ: يَا بَنِيَّ! قَوْمِي فَاشْهَدِي رِزْقَ رَبِّكَ وَ لَا تَكُونِي مِنَ الْغَافِلِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ أَزْوَاقَ النَّاسِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ»⁽¹⁾ در خواب صبحگاهی بودم، که پیامبر خدا بر من گذر نمود، و مرا اندکی با پای مبارک خودش تکان داد و فرمود: دخترم! برخیز و گواه رزق و روزی پروردگارت باش و از غفلت زدگان مباش، چراکه خدای بنده نواز رزق و روزی مردم را میان طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می کند.

آیا به نظر مبارک شما این روایت درست است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

من به روایتی که تنها از طریق اهل سنت آمده باشد، به دلایلی که در جای خود بحث شده است، اعتماد نمی کنم، و این روایت از آن نمونه است که تنها از طریق آنان رسیده است.

افزون بر آن، از نظر معنا و دلالت نیز مشکل دارد، چراکه از

ص: 62

سویی از خواب سحرگاهی حضرت فاطمه (علیها السلام) سخن دارد که بدون عذر کاری است مکروه؛ و نیز از نوعی توییح پیامبر از خواب او در آن ساعت خبر می دهد، که اینها با ویژگی عصمت آن بانوی نمونه ناسازگار است؛ واللہ العالم.

34. مقایسه مقام حضرت زهرا و امامان (علیهم السلام)

س. آیا مقام حضرت زهرا (علیها السلام) بیشتر است یا امام حسن و دیگر امامان (علیهم السلام)؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در چند روایت آمده است که ائمه (علیهم السلام) حجت بر خلق خدای تعالی می باشند و حضرت فاطمه (علیها السلام) حجت بر آنان است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) دست فاطمه زهرا (علیها السلام) را می بوسید و در وقت آمدن او به مجلس تمام قد می ایستاد؛

[ایشان] این احترامات را - که قطعاً الهی بوده - بر حضرت امیر (علیه السلام) نکردند و مع ذلک من در این مسئله نظر قطعی ندارم.

35. آیا روایتی با مضمون روح القدس حضرت فاطمه صحت دارد؟

س. آیا روایتی با مضمون (روح القدس حضرت فاطمه) صحت دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه علماء شیعه عموماً و سنی ها اکثراً فرموده اند اصل ماده بدن

صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) از ماده این عالم نیست بلکه از بهشت و از عالی ترین میوه های بهشتی است، و اما روح مناسب با این بدن را که خدای تعالی برای ایشان اختیار فرموده است از اسرار الهی است و ما قادر به فهمیدن آن از روایات - آن روح ها از نور عظمت الله تعالی خلق شده است - نیستیم. پیغمبر (صلی الله علیه وآله) در روایتی فرموده است خدا نور حضرت فاطمه (علیها السلام) را قبل از خلق زمین و آسمان و قبل از خلق آدم (علیه السلام) از نور خودش خلق نمود.

36. اثبات سیلی خوردن حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و ماندن میان در و دیوار

س. آیا این مطلب که به حضرت فاطمه (علیها السلام) سیلی زده شده و ایشان میان در و دیوار مانده است اثبات شده است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

روایات و تاریخ به حدی است که شک باقی نمی ماند، بخصوص روایات وارده از طرف مخالفین

37. چرا پیامبر دست حضرت فاطمه (علیها السلام) را می بوسید؟

س. چرا پیامبر اسلام حضرت فاطمه را نور چشم خود می دانست، او را بزرگ می داشت و دست او را می بوسید با اینکه فرزندان دیگری هم داشت؟

ص: 64

ج: باسمه جلت اسمائه

چون ماده جسد حضرت زهراء (عليها السلام) از ماده اين عالم نبود بلکه از بهشت و از ميوه های آن بود همانگونه که شيعه و سنی نقل کرده اند. و اما روح متناسب با آن بدن از اسرار است که ما آن را نمی فهميم و فقط از اخبار چنين می فهميم که روح آن حضرت از نور عظمت خدای تعالی است. در معانی الاخبار صدوق نقل کرده است: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) خلق نور حضرت فاطمه قبل أن تخلق الارض والسماء فقال بعض الناس يا بنى الله فليست هي النسبه فقال (صلى الله عليه وآله) حضرت فاطمه حوراء انسيه خلقها الله عزوجل من نوره قبل أن يخلق آدم الحديث.

38. حکم عالمی که عصمت حضرت زهرا (عليها السلام) را انکار کند

س. حکم عالمی که یکی از ضروریات مذهب، همانند عصمت امامان نور (عليهم السلام) یا نسبت سهودادن به آنان در غیر تبلیغ دین، یا انکار عصمت حضرت فاطمه (عليها السلام) یا ویژگی بتول بودن او را انکار کند، چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر انکارکننده عصمت حضرت فاطمه (عليها السلام) یا منکر صفت بتول بودن او، از علمای آگاه از مدارک شرعی باشد که احتمال شبهه در مورد او نمی رود؛ من به مسلمانی او حکم نمی کنم، چراکه این حقیقت پس از مراجعه درست به مدارک دینی از واضحات است.

ص: 65

39. حجاب حضرت زهرا (علیها السلام)

س. آیا مردم با ایمان و تقوا یا اهل بهشت، بانوی دو عالم حضرت زهرا (علیها السلام) را می بینند؟ همین مردم با ایمان و اهل بهشت، آیا در عالم خواب می توانند آن بانوی بزرگ را ببینند و در سیمای پر معنویت او بنگرند؟

روایات رسیده در مورد حضرت فاطمه (علیها السلام) نشانگر آن است که هنگام عبور آن حضرت از میان مردم، فرمان خدا بر فرو بستن دیدگان صادر می شود، و اگر این شاء الله اهل بهشت باشیم موضوع برایمان آشکار می گردد.

اما کسی که آن بانورا در خواب ببیند، از روایات چنین دریافت می گردد که نمی تواند بر سیمای پرفروغ او بنگرد.

40. حضور حضرت فاطمه (علیها السلام) در شهادتگاه امام حسین (علیه السلام)

س. نظر شما در مورد روایات رسیده که از حضور حضرت پیامبر و حضرت زهرا (علیها السلام) در کنار بدن نازنین امام حسین (علیه السلام) پس از شهادتش سخن می گوید، چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در این مورد اگر تنها یک روایت ضعیف هم می بود و دلالت می نمود، من بر حضور آنان کنار آن نازنین بدن، یقین داشتم تا چه رسد به این همه روایت که در این مورد رسیده است.

ص: 66

41. بوسیدن دست حضرت فاطمه (علیها السلام) توسط پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

س. آیا بوسیدن دست حضرت فاطمه (علیها السلام) توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) سندیت دارد و آیا اسناد آن صحیح می باشند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

بوسیدن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دست سید النساء حضرت فاطمه الزهراء (علیها السلام) را شیخ طوسی در امالی ج 2 و بحار الانوار ج 43 و از عامه هم حاکم نیشابوری نقل کرده و آن را صحیح دانسته اند.

ص: 67

بخش دوم: پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون مظلومیت و شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

اشاره

ص: 69

42. ترتیب رنج هایی که بر حضرت زهرا (علیها السلام) فرود آمد

(*) س. می دانیم که پس از رحلت جانسوز پیامبر (صلی الله علیه وآله)، رنج ها و مصیبت هایی جانکاه، همچون غصب خلافت، مصادره فدک، شکستن دنده و آزدن پهلو بر دخترش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از سوی غاصبان وارد آمد، اینک پرسش این است که ترتیب این رویدادهای غمبار چگونه بود و حضور و خطبه معروف آن بانوی بزرگ در مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از فرود کدامین مصیبت بود؟

ج: باسمه جلت اسمائه

نخست خلافت غصب شد، آن گاه فدک را گرفتند و پس از آن، شکستن دنده و آزدن پهلو پیش آمد و خطبه معروف حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در مسجد پدرش پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از این زنجیره رنج ها و مصیبت ها بود.

43. داستان فدک

(*) س. داستان فدک چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

روایات رسیده از طریق شیعه و أهل سنت بر این موضوع

ص: 71

راهنماست که هنگام فرود آیه «فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»⁽¹⁾، پیامبر (صلی الله علیه وآله) دخترش حضرت فاطمه (علیها السلام) را فراخواند و فدک را - که بخش بهتر سرزمین های خیبر بود و برخی از یهود، به او واگذار نمودند و به فرمان خدا، ملک خالص او گردید - به آن حضرت بخشید.⁽²⁾

ص: 72

1- روم/ آیه 38.

2- «فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» روم/ آیه 38. پس حق خویشاوند و بینوا و در راه مانده را بده... در این آیه، خدا به پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمان می دهد که حق نزدیکانش را به آنان بدهد؛ اینک باید دید، نزدیکان او کیانند و «حق» آنان چیست؟ روشن است که منظور از نزدیکان پیامبر (صلی الله علیه وآله) در این گونه آیات، عبارتند از: علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام)؛ با این بیان پیام صریح قرآن این است که: ای پیامبر، حقوق این چهره های ارجمند را - که نزدیک ترین خویشانت هستند - به آنان بده. در این مورد آورده اند که: با فرود این آیه، پیامبر (صلی الله علیه وآله) «فدک» را به فاطمه (علیها السلام) و انهاد تا به هر صورتی که می خواهد آن را اداره کند و از آن بهره‌ور گردد. از امام باقر و صادق (علیهما السلام) نیز، این موضوع روایت شده است. به همین جهت این حقیقت در میان بزرگان شیعه، مشهور است. افزون بر دانشمندان شیعه، بسیاری از محدثان اهل سنت نیز این روایت را در مهم ترین منابع خویش آورده و بر درستی آن گواهی کرده اند؛ برای نمونه: 1. در «کنز العمال» و مختصر آن - که در حاشیه «مسند احمد بن حنبل» چاپ شده، ضمن عنوان «صله رحم» از کتاب «اخلاق» - از «خدری» آورده است که: با فرود آیه «فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»، پیامبر (صلی الله علیه وآله) خطاب به دخت فرزانه اش فرمود: «یا فاطمه لکِ فدک!» فاطمه جان! «فدک» از این پس از آن تو خواهد بود. 2. «حاکم» در تاریخ خود، و «سیوطی» در «الدّر المنثور» آورده اند که: پس از فرود آیه: «فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»، پیامبر (صلی الله علیه وآله)، دخترش فاطمه (علیها السلام) را خواست و «فدک» را به فرمان خدا به او بخشید. الدّر المنثور/ ج 4 / ص 177. 3. «ابن ابی الحدید» در «شرح نهج البلاغه» بر آن است که این روایت، از راه های گوناگون دیگر نیز روایت شده است که: وقتی آیه «فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»، فرود آمد، پیامبر (صلی الله علیه وآله)، فاطمه (علیها السلام) را فراخواند و «فدک» را به او بخشید.

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) خلیفه آن را غصب کرد و کارگزار حضرت زهرا (علیها السلام) را از آنجا بیرون راند، و آن حضرت برای دفاع از حق و مبارزه با غصب و ظلم، با بهترین روش آن را مطالبه نمود، اما خلیفه حق او را انکار و گواهانش را نپذیرفت. آن حضرت از راه ارث وارد شد و حق خویشتن را خواست و استدلال ها نمود، اما خلیفه باز هم فدک را به او نداد.

44. گستره فدک

(*). س. همانگونه که می دانید، «فدک» بخشش پیامبر (صلی الله علیه وآله) به دخترش حضرت زهرا (علیها السلام) بود، به همین جهت از حضرتعالی این پرسش را دارم که این سرزمین مبارک از نظر جغرافیای جهان نما از کجا آغاز می شود؟ تا کجا امتداد می یابد؟ و مساحت آن چه قدر است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

همان گونه که «یاقوت حموی» در «معجم البلدان» آورده است، «فدک» دهکده ای در سرزمین حجاز بود و میان آن و مدینه به باور برخی، دو یا سه روز راه بود. این دهکده نزدیک خیبر بود و اینک موجود است و نزد مردم مدینه معروف و شناخته شده است، اما با نهایت تأسف رها شده است!

ص: 73

در برخی از روایات رسیده، گستره حقیقی آن، از سویی تا عدن و سمرقند و از سوی دیگر تا آفریقا و سیف البحر امتداد می یابد. این روایات نشانگر آن است که آنچه از اهل بیت (علیهم السلام) غصب شده است، نه بوستان و دهکده فدک بلکه گستره خلافت و امامت علمی و معنوی و اخلاقی و مدیریت بر مسلمانان و سرزمین های اسلامی است.

با این بیان از نظر این دسته از روایات، همه زمین و زمان حکم فدک را دارد، و کسی که در ادعای خود راستگوست و بر آن است که دست غصب و ستم را از فدک بردارد و آن را به صاحبانش برگرداند، بر اوست که دست سلطه و سیطره اش را از کران تا کران زمین بردارد و مردم را آزاد بگذارد، چراکه بازگرداندن آنچه غصب شده است جز با بازگرداندن کامل آن انجام نمی پذیرد.

45. داستان فدک داستانی عقیدتی است یا یک رویداد تاریخی؟

(*) س. به نظر شما داستان غم انگیز فدک حضرت زهرا (علیها السلام) داستانی عقیدتی است یا تاریخی؟

ج: باسمه جلت اسمائه

به نظر ما داستان فدک یک موضوع و داستان عقیدتی است؛ چراکه بر اثر رویدادهای غم انگیز پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و غصب خلافت، دفاع از ولایت و امامت آسمانی امیرمؤمنان (علیه السلام)

ص: 74

بر آن بنیاد و آمیخته شده است.

46. فدک در خلافت امیرمؤمنان (علیه السلام)

(*) س. امیرمؤمنان (علیه السلام) در دوران خلافت خویش در مورد فدک چگونه رفتار نمود؟

ج: باسمه جلت اسمائه

برخی از سخنان امیرمؤمنان (علیه السلام) در این مورد نشانگر آن است که «فدک» در دوران خلافت آن حضرت تصرف گردید و در دست او بود، که می فرماید:

«بَلَى كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكٌ مِنْ كُلِّ مَا أَظَلَّتْهُ السَّمَاءُ فَسَدَّ حَتُّ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ وَ سَدَّ حَتُّ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخِرِينَ وَ نِعَمَ الْحَكَمِ اللَّهُ؛ وَ مَا أَصْنَعُ بِفَدَكٍ وَ غَيْرِ فَدَكٍ وَ النَّفْسُ مَطَانِئُهَا فِي غَدِّ جَدَثٍ تَنْقَطِعُ فِي ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِيبُ أَخْبَارُهَا وَ حُفْرَةٌ لَوْ زِيدَ فِي فُسَدِّ حَتِّهَا وَ أَوْ سَدَّ عَتَّ يَدَا حَافِرِهَا لِأَضْغَطِهَا الْحَجْرُ وَ الْمَدْرُ وَ سَدَّ فُرْجَهَا التُّرَابُ الْمُتْرَاكِمُ...» (1) آری، از تمامی آن چه آسمان نیلگون بر آن سایه افکنده است، تنها «فدک» در دست ما بود که گروهی بر آن بخل ورزیدند و گروهی دیگر کریمانه از آن گذشتند و سخاوتمندانه چشم پوشیدند. راستی که خدا بهترین داور است...

به باور برخی از این سخن، به ظاهر چنین دریافت می گردد که

ص: 75

«فدک» در دوران خلافت آن حضرت پس گرفته شد، اما به نظر ما چنین دریافتی بعید به نظر می‌رسد، به‌ویژه که این عبارت نهج البلاغه در زمان خلافت آن حضرت به صیغه ماضی به قلم آمده، و نشانگر آن است که در مورد رویدادهای گذشته «فدک» سخن می‌گوید.

به هر حال شواهد تاریخی در مورد چگونگی برخورد آن حضرت با «فدک» در آن زمان راهگشا نیست، و روشن نمی‌کند که آن را به صاحبان اصلی اش - که ورثه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بودند - بازگرداندند و یا فرصت پرداخت به آن را نداشتند و آن را در همان شرایطی که بود رها کردند.

47. اعتراض حضرت زهرا (علیها السلام) به حضرت علی (علیه السلام) یا آگاه نمودن مردم از اوضاع

(*). س. آیا سخنان حضرت زهرا (علیها السلام) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) که فرمودند:

«یا بن ابی طالب اشتملت شمله الجنین وقعدت حجره الضئین، نقضت قادمه الجدل فخانک ریش الأعزل، هذا ابن ابی قحافه یبتزنی نحلتي وبلغه ابني، ویلاه فی کل شارق ویلاه فی کل غارب، مات العمد ووهن العضد... إلى آخره» نوعی اعتراض و تعدی به مقام امامت محسوب نمی‌شود؟

ج: باسمه جلت اسمائه

هیچ تردیدی نیست در اینکه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با اذن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از منزل به سوی مسجد خارج شدند و آن خطبه بسیار مهم را در دفاع از حریم ولایت و امامت ایراد

نمودند. ایشان، بعد از آنکه امام علی (علیه السلام) با شیخین مخالفت نمود و حوادثی که بعد از آنها اتفاق افتاد، فقط در جهت بیان حق و دفاع از آن، و اقامه حجت و دلیل به دستور حضرت علی (علیه السلام) از منزل خارج شدند و امام (علیه السلام) از همه برنامه ایشان آگاه بودند زیرا آنها هر دو انسان معصومند و تکالیف خود را در هر مقامی بهتر می دانند.

بنابراین حضرت فاطمه (علیها السلام) سربازی است که با دستور فرمانده رفت و مأموریتش را با دلایل و براهین کامل و روشن به خوبی انجام داد و آنگاه که برگشت با امام (علیه السلام) گفتگوی خاصی انجام داد که از حوزه سخنان زناشویی خارج بود زیرا که ایشان از یک مجاهدت و انجام وظیفه بسیار سنگین جهادی برگشته بود لذا با امام (علیه السلام) با زبان سرباز جهادگر سخن گفت و نگفت: ای عموزاده، یا اباالحسن، بلکه گفت: ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر، زانوهایت را بغل گرفتی و به حدی فانی فی ذات الله شدی که گویا دنیائی نیست و غیر خدا و اسلام چیزی را نمی بینی، و این فناء فی الله را به اختیار و اراده خود اختیار نموده ای نه با قصور و تقصیر، و این لباس بی اعتنائی به دنیا و زخارف آن است که به تن کرده ای و لذا «لایأخذک فی الله لومه لائم»، در صورتی که برای خدا انجام داده اصلا به فکر دنیا نیستی یعنی تمامی آزار و اذیت ها را در راه خشنودی خدا به جان خریده ای و این چنین گوشه نشین و چون یک فرد متهم واقع شده ای و این اگرچه خطاب به امام (علیه السلام) است ولی مقصود

پیش آوردند و روح دین را از کالبدش جدا کردند؛ ولی باید دقت کرد که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ارتباط با این توطئه بسیار خطرناک و خطرناک مسیری را برگزیده بودند که اساس دین و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) را از شر آن نگهداری کنند و هیچ توجهی به زرق و برق و ریاست دنیا نداشتند تا به خاطر آن دست به شمشیر ببرند چونکه حضرت در مقام فناء در ذات خدا چنان اوج گرفته که فقط خدا را می بیند و خود را تسلیم کامل اراده او نموده و هرچه را خدای متعال از او خواسته با تمام وجودش به آن رضا می داد و پوشیدن همین لباس تقوا و تسلیم به معنای دست کشیدن از زرق و برق دنیایی که در آن حب مقام و جاه و ریاست وجود دارد می باشد. ایشان در اندیشه چنین مسائلی نبودند تا به خاطر آنها دست به هر کاری بزنند بلکه حضرت مقام بسیار رفیع و والائی دارند که فقط خدای متعال از آن آگاه است و چنان قدرت و شجاعتی داشتند که می توانستند تمام مخالفین را از سر راه خود بردارند، ولی امام (علیه السلام) بنده خدا بود و به فرمانش عمل می کرد: (لایسبقونه بالقول وهم بامرہ یعملون) امامان معصوم (علیهم السلام) در گفتار از خدا پیشی نمی گیرند و در هر حال به فرمان او عمل می کنند؛ یک روز به تنهایی در جنگ بدر و احد و... از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) دفاع می کند و تمامی پهلوانان نامدار دشمن را درهم می کوبد و روزی در برابر توطئه ها صبر و شکیبائی می کند و این همان تسلیم و رضا به

خواسته خدای متعال است. و انتخاب گوشه منزل یک کار ساده ای نبود بلکه او حجت خدا است، در هر کارش هدفی مقدس و نورانی وجود دارد که می خواست دست آوردهای رسالت را حفظ کند و جامعه بشری را با آن آشنا سازد و لذا در جایگاه مقام الهی خویش کوتاه نیامد و مسئولیت بسیار سخت و دشوار خود را به خوبی انجام داد و هر پیشامدی در منظر و نگاهش چون بر طبق حکمت الهی بود از آن استقبال می کرد اگرچه دلخراش و کمرشکن بود و خلاصه مثال «همچون جنین در شکم مادر زانوانت را بغل کرده ای» به این معناست که فانی فی الله می باشی و اصلاً متوجه مسائل دنیا مانند ریاست، حکومت و... نیستی، مانند کودکی که از مسائل خارج از شکم مادر بی خبر است و کسی که برای رضای خدا - با اینکه قدرت بر انجام هر کاری دارد - تحمل اذیت بکند و آن کار را انجام ندهد در نظر مردم متهم محسوب می شود، این نتیجه کاری است که برای خدا نموده تا عین فناء فی ذات الله باشد و این لباس فناء فی ذات الله را اراده و اختیار نموده نه برای قصور یا تقصیر، این همان لباس بی اعتنائی به دنیا و کافران است و برای همین «لا تأخذ فی الله لومه لائم».

48. جبران ضعف برخی از روایات غیر فقهی با شهرت عملی

(*) س. در میان فقهای مذهب اهل بیت (علیهم السلام) روشن است که شهرت عملی، جبران کننده ضعف سند روایت است، بر این باور اگر روایتی از نظر سند

عمل نموده باشند، خود عمل آنان به دلالت آن حدیث، ضعف سند آن را جبران می کند، چراکه بسا آنان که به زمان صدور نزدیک بودند، قرائن و شواهدی بر درستی آن دیده اند و مورد اعتماد آنان قرار گرفته که این قرائن و شواهد درستی سند در گذر زمان به متأخرین نرسیده است و اگر می رسید باعث اعتماد بر صدور آن می گردید. حال آیا این سبک و مبنا را می توان بر غیر روایات فقهی نیز گسترش داد؟ برای نمونه: همین موضوع فاجعه بار شکستن دنده و پهلوی حضرت زهرا (علیها السلام) در داستان غم انگیز یورش به خانه او، به صورتی از سوی پیشینیان اصحاب پذیرفته شده و با آن رفتار سنجیده ای گردیده که با اندک دقت باعث اعتماد به صدور آن می گردد. پس، هنگامی که در جبران ضعف سند روایت، سبک برخورد و پذیرش آن از سوی پیشینیان اصحاب، باعث جبران آن می گردد، این ملاک در این رویداد غمبار و نظیر آن نیز جریان می یابد؛ با این توضیح که روایت فاجعه بار شکستن دنده و پهلوی حضرت زهرا (علیها السلام) تنها نمونه است و پرسش ما از سبک و روش است؛ نظر شما در این مورد چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

درست است، این دلیل، روایات غیرفقهی را هم شامل می شود، اما باید به خاطر داشت که شهرت دارای اقسامی است:

1. شهرت روایی،
2. شهرت عملی،
3. و شهرت فتوایی.

اما شهرت روایی، عبارت از اسباب ترجیح یکی از دو روایت رسیده در موضوعی، بر دیگری است.

اما شهرت عملی، عبارت از استناد مشهور به روایتی در صدور فتواست، و این شهرت عملی از ممیزات حجّت از عدم حجّت است.

اما شهرت فتوایی، نه جبران کننده ضعف سند روایت است و نه از اسباب ترجیح؛ با این بیان اگر مورد سؤال از قبیل شهرت عملی باشد نکته مورد نظر شما درست است، و این ملاک در غیر روایات فقهی نیز جریان می یابد، و گر نه اثری در عمل پیشینیان اصحاب بر جبران ضعف سند حدیث نیست و ضعف سند آن را جبران نخواهد کرد. در این مورد بیشتر دقت کنید.

49. امیر مؤمنان به هنگام هجوم به حضرت فاطمه (علیها السلام)

(*) س. موضوعی ذهن مرا به خود معطوف می دارد و تحمل آن برایم طاقت فرساست، و آن موضوع این است که: از سوی غیرت و شهادت اهل بیت (علیهم السلام) را در حق طلبی و دفاع از حق و عدالت، به ویژه پدر شهیدان امام حسین روحی له الفداء می بینم که وصف ناپذیر است؛ آن حضرت را هنگام شهادت فرزندش علی اکبر می نگرم که پیکر پاک او را بر روی ریگ های تفتیده کربلا می گذارد و به سوی خواهرش عقيله بنی هاشم حضرت زینب روحی لها الفداء می رود تا مباد خطری متوجه حرمت و کرامت او گردد، با دیدن این روحیه بلند و پرشکوه، با این پرسش رویه رو

می شوم که هنگام یورش طغیانگران بر سالار و سرورمان حضرت فاطمه زهرا روحی لها الفداء، امیر مؤمنان (علیه السلام) کجا بود؟ و موضع آن نمونه جوانمردی و شهامت در برابر این جنایت زشت و دهشتناک چگونه بود؟ و دلایل ما پیرامون این موضع چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

لازم است پیش از پاسخ به این پرسش به نکته ای مهم اشاره کنم که: ما به این خاطر که رهروان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) هستیم، به تسلیم در برابر آموزه ها و امر و نهی آنان فرمان یافته ایم، گرچه حقیقت فرمان یا هشدار از آنان برای ما روشن نباشد؛ چراکه بسا در این موارد راز و حکمتی باشد که ما از آن آگاهی نیافته ایم. (1)

ص: 82

1- برای نمونه به این روایت در این مورد بنگرید. مردی به حضور امام حسن (علیه السلام) آمد و گفت: ای فرزند پیامبر! من از شیعیان و رهروان راه پرافتخار شما هستم! آن حضرت در ترسیم معیار شیعه بودن، چنین فرمود: «یا عَبْدَ اللَّهِ! إِنْ كُنْتَ لَنَا فِي أَوَامِرِنَا وَرَوَاجِرِنَا مُطِيعاً فَقَدْ صَدَقْتَ، وَإِنْ كُنْتَ بِخِلَافِ ذَلِكَ فَلَا تَرِدْ فِي ذُنُوبِكَ بَدْعُوكَ مَرْتَبَةً شَرِيفَةً لَسْتَ مِنْ أَهْلِهَا؛ لَا تَقُلْ أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمْ، وَلَكِنْ قُلْ أَنَا مِنْ مُوَالِيكُمُ وَ مُجَبِّيْكُمُ وَ مُعَادِي أَعْدَائِكُمْ، وَ أَنْتَ فِي خَيْرٍ وَ إِلَى خَيْرٍ؛» ای بنده خدا! اگر در انجام فرمان ها و دوری گزیدن از هشدارهای خدا، قانون گرا و درست رفتار هستی، آنچه در مورد شیعه بودن خویش می گویی، درست می گویی؛ اما اگر این گونه نمی اندیشی و رفتار نمی کنی و در اندیشه و منش و عمل، رهرو راه ما نیستی، با این ادعای گزاف بر گناهان خویش میفزای؛ چراکه شیعه و رهرو ما خاندان پیامبر بودن، مقام پُرفرازی است، و تو با گفتار بدون منش و عملکرد عادلانه و زیبا، هرگز در خور آن نخواهی بود؛ پس مگو من شیعه شما خاندان پیامبر هستم، بلکه بگو: من از دوستداران و هواخواهان شما و از مخالفان دشمنان شما هستم که در این صورت، تو در خیر و نیکی به سر میبری و در مسیر نیک اندیشی قرار خواهی گرفت. مجموعه ورام/ص 113 / چاپ مؤسسه حیدری.

از پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) این روایت رسیده است که:

«إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مَقْرَّبٌ، أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، أَوْ عَبْدٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ...»⁽¹⁾ بی تردید کار و راه ما دشوار و دشواری آور است و جز فرشته مقرب یا پیامبر فرستاده شده یا بنده ای که خدا قلب او را به ایمان آزموده است، کسی بار مسئولیت آن را نمی تواند به دوش کشد....

اما موضع امیرمؤمنان (علیه السلام) در این داستان غم انگیز و فاجعه باره آری، درست است که امیرمؤمنان (علیه السلام) سالار همه غیرتمندان و حق طلبان روزگاران است، اما اگر شرایط روزگار و ماندگاری دین و آیین چنان بطلبد که آن حضرت بر هر بیدادی در حق خود و خاندانش شکیب ورزد، آیا باز هم می تواند دست به شمشیر شجاعت و مقاومت ببرد؟ بهیژه که از برادرش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در این مورد آینده نگری و اخباری درباره رویدادهای تلخ پس از رحلت آن بزرگوار نزد اوست، و پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) آن حضرت را در برابر آن رویدادهای تلخ آگاه ساخته و به شکیب و بردباری فرمان داده است، و همان تجاوزکاران نیز از این اخبار و احادیث آگاهی داشتند و به همین جهت هم گستاخی تهاجم به خانه او را

ص: 83

1- خصال صدوق/ ص 290. گفتنی است که در برخی نسخه ها به جای واژه «أَمْرَنَا»، «حَدِيثَنَا» آمده است که تفاوتی در معنا نمی بینیم.

در خود یافته اند و بر بیدادی زشت و ظالمانه دست می یازند؛ آیا امیر مؤمنان (علیه السلام) در این شرایط می تواند فرمان شکیبایی پیامبر (صلی الله علیه وآله) را فراموش کند و با تکیه بر دلیری و توانایی اش پاسخ آنان را با شمشیر عدالت بدهد؟ روشن است که هرگز؛ به برخی از روایات رسیده در این مورد بنگرید.

از جمله آن روایات، این است که «سُلیم بن قیس» در کتاب خویش چنین آورده است:

«ثُمَّ أَقْبَلَ (صَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِبْنَتَهُ فَقَالَ (صَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَنْتِ أَوْلُ مَنْ يَلْحَقْنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَأَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ سَتْرَيْنِ بَعْدِي ظُلْمًا وَعَظِيمًا حَتَّى تُضْرِبِي وَيُكْسَرُ صِلْعٌ مِنْ أَضْلَاعِكَ! لَعَنَ اللهُ قَاتِلَكَ...» (1) آن گاه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) روی به سوی دخترش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نمود و با اندوهی جانکاه فرمود: فاطمه جان! تو نخستین فرد از خاندانم هستی که به من خواهد پیوست. دخترم! تو سالار بانوان بهشت هستی و با اینوصف پس از من ظلم و دشمنی سختی خواهی دید، تا جایی که تو را کتک می زنند و یکی از دنده هایت شکسته می شود! خدای قاتل تو را لعنت کند...

در ادامه روایت آورده است که سپس آن حضرت رو به امیر مؤمنان (علیه السلام) نمود و فرمود:

ص: 84

1- کتاب سلیم بن قیس / 427؛ احتجاج طبرسی / ج 1 / ص 111؛ الغیبه / ص 193.

«وَأَمَّا أَنْتَ يَا أَبَاحَسَنِ! فَإِنَّ الْأُمَّةَ تَعْدِي بِكَ فَإِنْ وَجَدْتَ أَعْوَانًا فَجَاهِدْهُمْ، وَإِلَّا فَكُفَّ يَدَكَ، وَاحْقِنْ دَمَكَ، فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ...»؛ (1)

اما تو ای ابالحسن! پس از من جامعه و امت نسبت به تو مکر و عهدشکنی می کند، در آن شرایط دشوار اگر یارانی استوار و کافی یافتی، بر ضدّ فریب و بیداد جهاد کن، وگرنه دست نگاهدار و خون خود را حفظ نما، و بدان که شهادت بر سر راه توست و فرجام کارت شهادت در راه خداست.

و نیز در منابع مختلف در شرح رویداد تلخ یورش بر خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) چنین آمده است: علی (علیها السلام) در یورش سپاه استبداد به خانه اش، دلیرانه از جای جست و کمر بند «عمر» را گرفت و او را چنان بر زمین کوبید که بینی و گردنش به شدت درد گرفت و آن حضرت تصمیم گرفت تا او را به کیفر تجاوزگری و شرارتش بکشد، که ناگاه سخن پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و سفارش او را به یاد آورد، و ناگاه «عمر» را رها کرد و خروشید که:

«وَالَّذِي أَكْرَمَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ يَا بَنَ صَهَّاکَ! لَوْلَا كِتَابُ مِثَالِهِ سَبَقَ، وَعَهْدُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ لَعَلِمْتَ أَنَّكَ لَا تَدْخُلُ بَيْتِي...»؛ (2) هان ای پسر صهّاک! به آن خدایی که محمد (صلی الله علیه وآله) را به رسالت گرامی داشت، اگر خواست و نوشته حکیمانه خدا بر این رویداد پیشی

نگرفته بود و عهد او با پیامبرش نبود، تو خوب

ص: 85

1- همان.

2- بیت الأحزان/ ص 110؛ بحار/ ج 28 / ص 266؛ تفسیر قمی/ ج 2 / ص 159.

می دانستی که جرئت نداشتی این گونه زورمدارانه به خانه من در آیی....

50. شکیبایی امیر مؤمنان به خاطر مصالح دین

(*) س. ما بر این عقیده هستیم که پس از عهدشکنی جریان سقیفه و رقم خوردن رویدادهای فاجعه بار پس از آن و یورش به خانه صدیقه طاهره فاطمه (علیها السلام) و خود آن بانوی بزرگ، امیر مؤمنان به یک مبارزه فکری و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی هوشمندانه و شجاعانه، برای نجات دین و جامعه دست زد و پس از اتمام حجّت، به خاطر سفارش پیامبر (صلی الله علیه وآله) و رعایت مصالح دین و پرهیز از فروپاشی جامعه، به ناگزیر به شکیبایی تلخ و سکوتی مظلومانه چونان خاری در چشم و استخوانی در گلو تن داد، (1) اما اگر کسی این حقیقت را نپذیرد که سکوت شکوهمند آن حضرت پس از آن اعتراض و مبارزه و اتمام حجّت، تنها برای مصلحت دین و آیین و وحدت امت بود، پاسخ کوبنده در این مورد چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر کسی بپرسد که آیا خورشید فروزان است یانه؟ و دیگری

ص: 86

1- أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَ هَا فُلَانٌ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى، يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ، فَسَدَلْتُ دُونَهَا تَوْبًا، وَطَوَيْتُ عَنْهَا كَشًّا حَا، وَطَفِقْتُ أَرْتِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بِيَدِ جَدَاءٍ أَوْ أَصْبِرَ عَلَى طَخِيهِ عَمِيَاءٍ، يَهْرَمُ فِيهَا الْكَبِيرُ، وَيَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ، وَ يَكْدُحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ! فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْبَبِي، فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدِّي وَفِي الْحَلْقِ شَجَا، أَرَى تُرَائِي نَهْبًا... نهج البلاغه/ خ 6.

پاسخ دهد که: آری، و آن گاه بگوید: دلیل این فروزش خورشید چیست؟ و او به آرامی و متانت پاسخ دهد که: نور خورشید، دلیل فروغ آن است، و نفر اول اگر باز هم بگوید: نور و فروزش آن مراقب نمی کند، آیا آن بنده خدا می تواند دلیل دیگری بر این پرسشگر حق ستیز و لجباز بیاورد؟

به باور رهروان راه اهل بیت (علیهم السلام)، پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وآله) در واپسین روزهای زندگی، امیر مؤمنان (علیه السلام) را از رویدادهای دهشتناک و غمبار پس از رحلت خود باخبر ساخت و به آن بزرگوار فرمان شکیبایی و بردباری داد، و این فرمان شکیبایی نیز به خاطر مصالح دین خدا و کیان جامعه نو بنیاد اسلامی بود و رفتار امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز در این راستا بود و بس. (1)

51. هنگامه خطبه درخشان حضرت فاطمه (علیها السلام)

(*) س. ما در مورد تاریخ و هنگامه خطبه درخشان حضرت فاطمه (علیها السلام) پرسشی داریم که پاسخ درستی برای آن نیافته ایم، این موضوع باعث

ص: 87

1- از آن حضرت روایت شده است که ضمن تأیید این مطلب، خطاب به عمر چنین هشدار داد: «يَا بْنَ السُّودَاءِ! أَمَا حَقِّي فَقَدْ تَرَكْتُهُ مَخَافَةَ أَنْ يَرْتَدَّ النَّاسُ عَنْ دِينِهِمْ، وَ أَمَا قَبْرُ فَاطِمَةَ فَوَالَّذِي نَفْسُ عَلَيَّ بِيَدِهِ، لَئِنْ رُمْتُ وَ أَصَحَابُكَ سَيِّئاً مِنْ ذَلِكَ لَأَسْقِيَنَّ الْأَرْضَ مِنْ دِمَائِكُمْ...» ای بی ریشه و تبار! اگر دیدی از حقوق پایمال شده خویش با کرامت گذشتم، بدان جهت بود که از دین گریزی مردم، به خاطر عملکرد زشت و ظالمانه شما ترسیدم، نه از شما، اما در مورد آرامگاه فاطمه ام چنین نخواهد شد. به خدایی که جان علی در کف قدرت اوست! اگر تو و یاران تجاوزکارت بخواهید آن را نش کنید، زمین را از خون پلیدتان سیراب خواهم ساخت. بحار الأنوار/ ج 43 / ص 171.

برخی شبهه ها در مورد مظلومیت صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می گردد؛ بهویژه که مخالفان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) در تلاش ظالمانه هستند تا در مورد مظلومیت ها و رنج های حضرت فاطمه (علیها السلام) تردیدافکنی نمایند.

سؤال این است که: آیا تاریخ سخنرانی و هنگامه خطبه درخشان حضرت فاطمه (علیها السلام) در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پیش از هجوم سپاه استبداد به خانه آن بانوی بزرگ بود یا پس از آن؟ اگر پس از آن بود آیا دلیل نقلی قاطعی در این مورد داریم؟

در صورتی که پاسخ، آری باشد، از نتیجه این پاسخ، دو اشکال دیگر پدیدار می شود:

الف. چرا آن حضرت در خطبه درخشانش - که همه حقایق را بر کویر دل ها باراند - از هجوم به خود و خانه اش و نیز شکستن دنده اش چیزی نفرمود؟

ب. چگونه آن بانوی بزرگ با آن دنده و پهلوی آسیب دیده و با آن دل شکسته و داغدار، توانست بر روی پای خود ایستاده و آن گونه با قامت برافراشته و روحیه توانا به مسجد برود و در برابر آن جمعیت انبوه و آن شرایط پراختناق حکومت کودتا، آن خطبه درخشان را بخواند و توفانی در دل ها پدید آورد؟

به نظر می رسد قرائن خارج از خطبه صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) و نیز قرائنی که از درون آن دریافت می گردد، نشانگر آن است که آن خطبه

نورافشان و حکیمانه پس از گرفتن بیعت زورمدارانه از امیر مؤمنان (علیه السلام) بوده است، اگر به نظر شما دلائلی هست که نشانگر آن می باشد که خطبه آن بانوی بزرگ دانش و معنویت پس از یورش به خانه اش بوده، آن دلایل کدام است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

حقیقت این است که حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دو خطبه درخشان و روشنگر و پر بار داشته است:

الف. خطبه نخست، خطبه ای است طولانی و جامع، که در مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیان شده است، و خطبه دوم خطبه ای است که در خانه اش در برابر انبوه زنان مهاجر و انصار بیان گردیده، که گویی چند روز پیش از شهادت جانشوزش به عیادت او رفته بودند.

از منابع متعدد تاریخی و روایی آشکار می گردد که یورش به خانه آن بانوی بزرگ، سه بار بوده است، و آن جنایت بزرگ تر در یورش سوم روی داد که باعث بیماری و بستری شدن آن حضرت شد و سرانجام به شهادت جانشوزش انجامید! و خطبه درخشان آن حضرت در مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیش از یورش سوم و آن رویداد زشت تر و ظالمانه تر بود.

ب. با بیان قبل، پاسخ اشکال دوم هم داده شد؛ می ماند مسئله شکستگی دنده و... و آزردهی بازو و پهلو، که آن را امیر مؤمنان (علیه السلام) هنگام مراسم غسل پیکر پاک او دریافت و

همانسان که روایات به حقیقت تصریح دارد، پس از شهادت حضرت آشکار شد و سر زبانها افتاد.

اما چرا آن حضرت در خطبه روشنگر و توفنده اش با زنان مدینه به یورش برخانه خویش و رویدادهای ظالمانه مربوط به خودش نپرداخت، چون آن بانوی درایت از حق پذیری و هدایت آن گروه خودکامه و نیز فرصت طلبان و بی تفاوت ها مأیوس بود؛ درست همان گونه که در آغاز سخن نورانی اش به صراحت آن را بیان کرد و چنین فرمود:

«أَصَدِّبَحْتُ - وَاللَّهِ - عَائِفَةً لِدُنْيَاكُنَّ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ، لَفْظَتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ شَدَّ نَاتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ، فَتَبَحَّا لِفُلُولِ الْوَالِدِ، وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ، وَقَرَعَ الصَّفَاةَ، وَصَدَّعَ الْقَنَاةَ، وَخَطَلَ الْأَرَاءَ، وَزَلَلَ الْأَهْوَاءَ، وَبَسَّ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ*» لاجرم لقد قلدتُهُم ربقتُهُما، وَحَمَلْتُهُمْ أَوْقَتَهُما، وَشَنَنْتُ عَلَيْهِم عَارَهُما...» (1) به خدای سوگند! در

حالی شب را به سپیده آوردم که از دنیای شما بیزار، و به مردنمایان شما، به خاطر عملکردشان خشمگین هستم. آنان را در فراز و نشیب های زندگی آزمودم، و به دور افکندم و امتحان نمودم و خشمگین شدم. راستی چه زشت است کندی شمشیرها در برابر بیداد! و چه ناپسند است به شوخی گرفتن سرنوشت دین و جامعه پس از تلاش و جدیت در راه آن! و چه ناگوار است سر بر

ص: 90

سنگ خارا زدن و کار بی حاصل نمودن، و آن گاه شکاف برداشتن نیزه ها و تسلیم شدن در برابر بیداد! و چه دردناک است تباهی عقیده، و انحراف اندیشه و تزلزل اراده ها! و چه بد چیزی برای خود از پیش فرستادند که خدا بر آنان خشم گرفت و در عذاب او ماندگار خواهند بود. آری، من شرایط را چنین نامطلوب و ظالمانه نگریستم و مسئولیت آن را به گردن خودشان افکندم، و بار گران گناه آن را بر دوش آنان نهادم، و رهاورد شوم و عار و ننگ آن را بر عهده خودشان قرار دادم. پس بینی آنان بریده و زخم خورده باد و هماره از رحمت خدا دور باشند.

52. شکستگی دنده و پهلوی حضرت فاطمه (علیها السلام) در هجوم بیدادگران

(*). س. ما را به نصوصی معتبر در مورد شکستن دنده و پهلوی حضرت فاطمه (علیها السلام) راهنمایی فرمایید.

ج: باسمه جلت اسمائه

کسی که سخنان تاریخ نگاران مسلمان و روایات رسیده در مورد رویدادهای تلخ پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) را پی گیری کند، فکر نمی کنم در این مورد دستخوش تردید گردد. اینک به برخی از آنچه در این مورد آمده است می نگریم:

ص: 91

1. مرحوم «کلینی» (1) به سند صحیح از امام کاظم (علیه السلام) در باب مولد حضرت فاطمه (علیها السلام) حدیث دوم، چنین آورده است:

«إِنَّ فَاطِمَةَ صِدِّيقَةَ شَهِيدَةٍ»؛ فاطمه (علیها السلام) صدیقه شهید است.

و مرحوم مجلسی در «مرآة العقول» پس از توصیف خبر فوق به درستی و صحیح بودن، در شرح اصول کافی چنین می نویسد:

بی تردید این خبر دلالت بر این دارد که حضرت فاطمه (علیها السلام)، شهید راه حق است؛ و این از اخبار متواتر است، و سبب آن هم این است که پس از غصب خلافت و انحصار قدرت از سوی جریان سقیفه، قنفذ درب خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) را چنان بر شکم آن بانوی بزرگ زد که پهلوی آن حضرت شکست و بر اثر آن، فرزندش را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) محسن نامیده بود، ناخواسته از دست داد و دستخوش بیماری گردید و سرانجام به شهادت رسید. (2)

آن گاه مرحوم مجلسی به بیان روایاتی از علمای شیعه و اهل سنت می پردازد که این موضوع را تأیید می کند. از آن جمله روایتی است طولانی از «سلیم بن قیس هلالی» که فرازی از آن چنین است:

حضرت فاطمه (علیها السلام) شهید راه خداست، و سبب آن هم این است

ص: 92

1- مرحوم «محمد بن یعقوب رازی»، مشهور به «ثقه الإسلام کلینی»، صاحب کتاب کافی از دانشمندان نامدار مذهب اهل بیت (علیهم السلام) است، که در سال 329 از هجرت در بغداد جهان را بدرود گفت و اینک قبرش در بازار بغداد است.

2- اصول کافی / ج 5 / ص 315.

که پس از غضب خلافت به وسیله جریان سقیفه، قنفذ برده عمر حضرت فاطمه (علیها السلام) را زد و به شدت هُل داد و در نتیجه آن جنایت، دنده ای از پهلوی آن حضرت شکست و بر اثر آن، جنین خود را افکند، و دستخوش بیماری گردید و به شهادت رسید. (1)

2. و نیز از جمله آن روایات بسیار، این روایت طولانی است که مرحوم صدوق، از ابن عباس و او از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) آورده است که فرازی از آن چنین است:

... و هنگامی که فاطمه ام را می بینم، به یاد می آورم آن ظلم و بیدادی را که پس از رحلت من در حق او انجام می شود، گویی می نگرم که زور و ذلت از سوی ظالمان بر خانه او وارد شده، حرمت او درهم شکسته، حقوق او غضب گردیده، از ارث خود بازداشته شده، و پهلویش را

می شکنند و فرزندش را به دنیا نیامده، می کشند! و او ندای دادخواهی سر می دهد و می گوید: وای محمداه! اما کسی به دادخواهی و ندای مظلومیت او پاسخ مثبت نمی دهد! و او از ظلم و شرارت استبداد پناه و دادرس می جوید، اما کسی به او پناه نمی دهد و دادش را از بیدادگران نمی ستاند. (2)

3. و نیز از جمله آن روایات بسیار، زیارتنامه حضرت فاطمه (علیها السلام)

ص: 93

1- همان.

2- صدوق/ متوفی 381 هجری/ أمالی/ ج مجلس 24 / ص 100-99.

است که مرحوم سیدین طاووس در کتاب «اقبال الأعمال» آن را آورده است، که فرازی از آن چنین است:

وَصَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ... تا می فرماید:

الْمَغْضُوبِ حَقُّهَا، وَالْمَمْنُوعِ إِزْثَمَا الْمَكْسُورِ ضِدِّ لَعْنِهَا... (1) و درود بفرست بر فاطمه بتول، همان بانوی پاک و پاک منش و پاک روش...، همان بانویی که حقوق او غصب شد، و از میراث پدری بازداشته شد، و در فشار بیدادگران دنده اش شکست...

اما روایات بیانگر برافروختن آتش بر درب خانه حضرت فاطمه (علیها السلام)، فشردن آن حضرت میان در و دیوار، اسقاط جنین او - که ملازم با شکسته شدن دنده و پهلوی اوست - بسی فراوان است. این روایات را علمای شیعه و اهل سنت آورده اند.

در این رابطه به کتاب مرحوم شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی در تلخیص شافی بنگرید که چنین می نویسد: شیعه و علمای شیعه بر این رویداد غمبار اتفاق نظر دارند که حضرت فاطمه (علیها السلام)، هدف بیداد «عمر» قرار گرفت و غلام او چنان ظالمانه بر شکم دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) زد که جنین او را - که محسن نامیده شده بود - ساقط نمود و به شهادت رساند.

ص: 94

1- ... و نیز چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ! السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا وَالِدَةَ الْحَجَّاجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ! السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ، الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا! اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ وَرَوْحِهِ وَصِدِّي نَبِيِّكَ، صَدَّ لَأَنَّ تَزَلُّفَهَا فَوْقَ رُفْنِي عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ.» اقبال/ ص 152. برای او چند زیارتنامه دیگر از امامان نور (علیهم السلام) رسیده، که در کتاب های دعا و زیارات آمده است.

آری، روایت بیانگر این واقعیت تلخ، و آوردن همیزم برای به آتش کشیدن خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) که گروهی از دوستان اهل بیت در آن پناه بسته بودند، در میان

رهروان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) مشهور و معروف است... تا می نویسد: البته ما این روایت را از طریق علمای اهل سنت از جمله «بلاذری» آوردیم، و روایات علمای شیعه در این مورد بسیار است و هیچ اختلافی هم در میان آنان در این مورد نیست. (1)

مسعودی، مؤلف کتاب معروف «مروج الذهب» در کتاب دیگر خودش، به نام «اثبات الوصیه» چنین می نویسد:

«پس، طرفداران خلیفه به سوی منزل امیرمؤمنان (علیه السلام) روی آوردند و بر آن خانه یورش بردند و با به آتش کشیدن درب خانه، آن حضرت را زورمدارانه از خانه اش بیرون آوردند، و سرور بانوان بهشت، حضرت فاطمه (علیها السلام) را میان در و دیوار فشردند تا فرزندش محسن را سقط نمود... (2)»، (3)

ص: 95

1- تلخیص شافی / ج 3 / ص 76.

2- عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه وآله) از امیرمؤمنان (علیه السلام) پرسید: چرا عمر از حقوق کارگزارانش، به عنوان مالیات کاست، اما از حقوق و مزایای «قنفذ» چیزی نکاست و آن را به طور کامل پرداخت، آن حضرت بر گرد خویش نظاره کرد، و در حالی که جام دیدگانش لبریز از اشک گردید و فروبارید، در پاسخ او فرمود: «شَكَرَ لَهُ صَرْبَهُ صَرْبَهَا فَاطِمَةَ بِالسَّوْطِ، فَمَاتَتْ وَ فِي عَضْدِهَا أَنْزَةُ كَأَنَّه الدَّمْلُجُ» پرداخت کامل حقوق «قنفذ» برای قدرشناسی از او به خاطر تازیانه های بیدادی بود که بر پیکر حضرت فاطمه نواخت؛ به گونه ای که وقتی دخت محبوب پیامبر جهان را بدرود گفت، اثر آن تازیانه بیداد در بازوی او بسان بازوبند نمایان بود. کتاب سلیم بن قیس / ص 134.

3- اثبات الوصیه / ص 122.

53. شکستن پهلوی و دنده را جز نادان و حق ناپذیر انکار نمی کند

(*) س. آیا دنده و پهلوی بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه (علیها السلام) در هجوم به خانه اش شکست؟ افرادی هستند که می گویند: در آن زمان ورودی خانه ها با تگه ای از قماش و همانند آن پوشیده می شد و در و دیواری به سبک امروز نبود تا دختر پیامبر میان آن پناه گیرد و فشرده شود!

ج: باسمه جلت اسمائه

ظلم و بیدادی که در حق دختر پیامبر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) انجام شد، از اموری است که به وسیله نصوص معتبر و فراوان ثابت شده است، و جز آدم نادان و حق ستیز کسی نمی تواند آن را انکار نماید.

54. مصیبت شکستن پهلوی حضرت زهرا (علیها السلام) موضوعی عقیدتی است

(*) س. آیا داستان شکسته شدن دنده و پهلوی بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه (علیها السلام) در هجوم به خانه اش، یک داستان تاریخی و بدون رابطه با باورهای مذهب شیعه و اهل بیت (علیهم السلام) است یا یک بحث عقیدتی می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ظلم و بیدادی که در حق دختر پیامبر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) رفت، از هجوم به خانه تا مصادره مال و شکستن دنده و پهلوی

ص: 96

آن بانوی بزرگ، همه و همه به خاطر عدالت خواهی و ظلم ناپذیری و دفاع از حق و امام معصوم (علیه السلام) بود، که فرازهای مختلف خطبه درخشان آن حضرت گواه روشن و روشنگر این حقیقت است؛ با این بیان چگونه این جهاد و دفاع بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه (علیها السلام) می تواند از نظریه امامت آسمانی امیر مؤمنان (علیه السلام) جدا باشد؟ و اگر در ارتباط با آن باشد - که برابر اسناد فراوان چنین است - در آن صورت دفاع شجاعانه و تلاش خستگی ناپذیر و نابرابر او، اصلی است که شیعه را از دیگران ممتاز می سازد، پس، اگر چنین است، چگونه می تواند ربطی به باور و عقیده ما نداشته باشد و تنها یک داستان غمبار تاریخی شمرده شود؟!

55. با تازیانه زدن حضرت زهرا (علیها السلام)

(*) س. آیا بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه (علیها السلام) را بدون واسطه و با دست زدند یا با تازیانه؟

ج: با سمه جلت اسمائه

نصوص و مدارک معتبری که در این مورد رسیده، نشانگر آن است که تازیانه را به کار گرفتند.

56. تکذیب به زنجیر کشیدن امیر مؤمنان

(*) س. در نگاه به رویدادهای دردناک پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، به برخی از روایات برخوردیم، و دیدیم این روایات بیانگر آن است که: وقتی

ص: 97

امیر مؤمنان (علیه السلام) با ابوبکر بیعت نکرد، و

برای اجبار او به بیعت، به خانه اش هجوم بردند، آن حضرت را چون شیری به زنجیر کشیدند!! به باور برخی این موضوع با تهدید «عمر» به این که خانه را به آتش خواهد کشید، ناسازگار است، درجه درستی این روایات چه قدر است؟

به علاوه، نظر شما در مورد این رویداد و ثبت آن در تاریخ چیست؟

پرسش دیگر آن است که امام علی (علیه السلام) در آن هنگام که حرمت حریم او و حریم رسول الله (صلی الله علیه و آله) به وسیله سپاه استبداد شکست، در چه شرایطی بود و چه می کرد؟ اگر آن حضرت برای پرهیز از پراکندگی و فروپاشی امت، ناگزیر صبر و شکیبایی به سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، چگونه آن خداوندگار شهامت و غیرت توانست در برابر شکسته شدن دنده و پهلوی فاطمه (علیها السلام) سکوت کند؟

و نیز خواندم که به هنگام یورش به خانه امیر مؤمنان (علیه السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام) به پسر و دختری به نام محسن و محسنه باردار بود، و به هنگام فشرده شدن دختر ارجمند پیامبر (صلی الله علیه و آله) میان در و دیوار و شکسته شدن دنده و پهلویش، آن دو، کشته شدند! آیا این خبر دردناک صحیح است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

جریان زنجیر و به زنجیر کشیدن امیر مؤمنان (علیه السلام)، سخن معتبری نیست.

و نیز به هنگام فشرده شدن حضرت فاطمه (علیها السلام) میان در و دیوار، امام علی (علیه السلام) حاضر نبود.

به راز سکوت آن بزرگوار نیز اشاره رفت، اما کشتن جنین او،

محسن درست است، و وجود دختری به نام محسنه و کشته شدن او، به ظاهر حقیقت ندارد.

57. مفهوم شهادت در حدیث

«فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صِدِّيقَةُ شَهِيدَةٌ»

(*). س. برخی از تفسیر و تحلیل‌ها پیرامون حدیث

«إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صِدِّيقَةُ شَهِيدَةٌ» را خواندم و دیدم اگر بر آن باشیم که از واژه «شَهِيدَةٌ» در این روایت، معنی فقهی آن را بگیریم، که نادرستی آن روشن است؛ چراکه شهید با احکام ویژه اش در فقه، کسی است که در میدان نبرد کشته شود، اما اگر بر آن باشیم که از واژه ی «شَهِيدَةٌ» معنای تشبیهی و همانندی در پاداش را بگیریم، زن نیز اگر در حال عادت ماهانه و به دنیا آوردن فرزند از دنیا برود، در این معنا و پاداش آن مشترک است، و در نتیجه افتخار و عظمتی برای حضرت زهرا (علیها السلام) نیست که در این ردیف قرار گیرد و گفته شود که:

«إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صِدِّيقَةُ شَهِيدَةٌ»؛ بنا براین، تنها این معنا می ماند که منظور از معنی واژه ی «شَهِيدَةٌ» همان معنای برتر و مرتبه والایی باشد که سرور بانوان دو عالم در ردیف پیامبران و صدیقین و

شهیدان و گواهانی قرار گیرد که گواه و الگوی مردم هستند، اما دریافت این مفهوم از واژه «شهید» با استدلال به این حدیث ممکن نیست، چراکه واژه شهید و شهیده در معنا و مفهوم اعم از مدعاست.

ج: باسمه جلت اسمانه

شهید به معنی کسی است که در راه دفاع از حق به وسیله

شمشیر یا سلاح و یا وسیله دیگری که بر او بزنند، کشته شود. چنین کسی اگر در میدان نبرد کشته شد، حکمی از احکام فقه به او اختصاص دارد و آن عدم نیاز به غسل است.

و با اینوصف، آیا کسی می تواند چنین پندارد که امیر مومنان (علیه السلام) به خاطر آن که در میدان نبرد کشته نشد، شهید نیست؟

اما استناد مرگ حضرت فاطمه (علیها السلام) به زدن آن حضرت با تازیانه و فشردن میان در و دیوار، واقعیت غمباری است که روایات رسیده در این مورد بسیار است. در این باره به «کامل الزیارات» و به خبر «حمّاد بن عثمان» از امام صادق (علیه السلام) بنگرید که می گوید: در سفر معراج پیامبر (صلی الله علیه وآله)، به هنگام گزارش از آینده امت، به آن حضرت گفته شد: اما دختری زهرا (علیها السلام)، پس از رحلت تو، مورد ستم قرار خواهد گرفت. او را در حالی که باردار است، خواهند زد و او چنین خود را بر اثر آن ضربات ظالمانه خواهد افکند و به شهادت خواهد رسید! «وَ اَمَّا اِیَّتُكَ فَاطِمَه فَتُظَلَم وَ هِیَ...» (1).

58. زنده داشتن روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) به روایت چهل روز

س. نظر شما در این مورد چیست که بنا به برخی از روایات، سالروز شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) را چهل روز پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) قرار دهیم و در زنده ساختن و بزرگداشت این روز بکوشیم؟ وظیفه شیعه آل

ص: 100

محمد (علیه السلام) در برابر این مناسبت چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

منطق پیشوایان دین این است که رهروان راه اهل بیت (علیهم السلام) از فزونی سرشت آنان آفریده شده اند، و به همین جهت، در اندوه آنان اندوهگین می شوند و در سرور و شادی آنان شادمان می گردند؛ و به مقتضای این بیان روشنگر، تلاش در زنده و پرشکوه داشتن هر روزی که به نظر می رسد روز شهادت جانسوز حضرت فاطمه (علیها السلام) باشد، کاری پسندیده و تلاشی زینده است و یکی از آن روزها، روز اربعین پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می باشد.

59. اهمیت کتاب سلیم بن قیس

(*) نظر شما در مورد کتاب «سلیم بن قیس هلالی» از نظر سند و دلالت متن آن - که پاره ای از علما در برخی اسناد و یا دلالت برخی از روایات آن مناقشه می کنند - چیست؟ به نظر می رسد مهم ترین مناقشه همان است که از سوی مرحوم آیت الله العظمی خویی «قدس سرّه» در این مورد صورت گرفته است، و ما دوست داریم دیدگاه شما را در این مورد بدانیم.

ج: باسمه جلت اسمائه

مرحوم آیت الله العظمی خویی «قدس سرّه» گرچه بر کتاب «سلیم بن قیس هلالی»، اشکال هایی وارد نموده، اما بسیاری از اشکال ها را نیز از آن کتاب برطرف ساخته است.

ص: 101

آن بزرگوار در آن کتاب در چیزی مناقشه کرده است که سستی و نادرستی آن روشن است، و با این کار خودش، سستی و بی بنیانی ایرادهای دیگر را نشان داده و با این روش عالمانه خود، به آن کتاب سود رسانده است.

مرحوم مجلسی نیز نسبت به کتاب «سلیم بن قیس هلالی» گامی سودبخش برداشته که هیچ کس پس از ملاحظه کار آن بزرگوار در مورد آن کتاب، دیگر به تردید و تزلزل نمی افتد. او روایتی از امام صادق (علیه السلام) آورده است که می فرماید: هرکس از شیعیان ما کتاب «سلیم بن قیس هلالی» را نزد خود نداشته باشد، در حقیقت چیزی از امر و اسرار ما نزد او نیست، و چیزی از اسرار ما را نمی داند؛ چراکه این کتاب حروف ابجد یا فشرده معلومات شیعه و اخبار و اسرار آنان است!

مرحوم علاء مه مامقانی نیز در کتاب رجال خود، چیزی در این مورد می نویسد که باعث اطمینان انسان می گردد که همین کتابی که اینک در دست ما می باشد، به اتفاق آراء، همان کتاب «سلیم بن قیس هلالی» است.

بر آنچه آمد، این نکته را نیز بیفزای که موضوع شکستن پهلو و دنده بزرگ بانوی اسلام، موضوعی است که روایات بسیاری در ثبوت آن در پاسخ به پرسش های گذشته آوردیم، پس، به آنها بازگرد و نیک بنگر.

60. حکم کسی که مظلومیت حضرت فاطمه (علیها السلام) را انکار کند

(*) س. از دوستان اهل بیت رسول خدا (علیهم السلام)، کسی که رنج ها و مصائب و مظلومیت سرور و سالار ما صدیقه طاهره فاطمه الزهراء (علیها السلام) و جنایت هایی را که از سوی ظالمان و غاصبان در حق او رفت، انکار کند، حکمش چیست؟ وظیفه دوستان اهل بیت (علیهم السلام) در برابر چنین شخصی چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

کسی که رنج و مظلومیت حضرت فاطمه (علیها السلام) و جنایت های تکانهنده ای را که در حق او روا شد، انکار کند، یا نا آگاه است، یا از دوستان اهل بیت (علیهم السلام) است اما نمی تواند باور کند که پلیدی برخی تا آنجا می رسد که چنین جنایت های حیرت آوری را در حق صدیقه طاهره (علیها السلام) روا دارند!

اما برابر روایات رسیده از طریق هردو گروه از مسلمانان، یعنی شیعه و اهل سنت این ظلم ها و جنایت ها اثبات می گردد، پس، انکار کننده این بیداد و خشونت دهشتناک، یا باید حق ستیز باشد، یا نا آگاه و یا دستخوش اشتباه شده و می پندارد که اعتراف به این جنایت ها باعث تفرقه و پراکندگی میان مسلمانان می گردد، و تفرقه و پراکندگی در این زمان باعث ضعف اسلام و مسلمانان می شود. به هر حال وظیفه اسلامی و انسانی دوستان اهل بیت (علیهم السلام) در این مورد آشکار است.

ص: 103

61. انکار رنج ها و مصائب حضرت فاطمه (علیها السلام) و خروج از مذهب

(*). س. آیا می توان کسی را که می گوید حضرت فاطمه (علیها السلام) به شهادت نرسیده است، خارج از مذهب به شمار آورد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

چنین گفتاری گاه از موضع انکار و حق ستیزی در برابر روایات رسیده از امامان معصوم (علیهم السلام) سرچشمه می گیرد، و گاه از نادانی و ناآگاهی و بی اطلاعی از رویدادهای تاریخی و روایات رسیده؛ و این دو باهم فرق می کند؛ بنا براین، اگر از نوع دوم باشد، باعث خروج از مذهب نمی گردد، برخلاف قسم نخست که روایات رسیده از امامان معصوم را عامداً انکار می نمایند.

62. سن شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)

(*). س. حضرت زهراء (علیها السلام) در چه سنی به شهادت رسیدند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

مرحوم کلینی و ابن شهر آشوب نوشته اند که آن حضرت پنج سال بعد از مبعث متولد شده است و همین امر بین اصحاب ما مشهور است، و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است. اما مشهور بین اهل سنت این است که آن حضرت پنج سال قبل از مبعث متولد شده است، و ظاهراً این کلام اهل سنت از روی اشتباهی در روایت آنها بین کلمه «قبل» و «بعد» می باشد. بنابراین سن مبارک ایشان حین شهادت همانگونه که معروف بین شیعه است هجده سال بوده است.

63. صحت و سقم مصیبت های وارده به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

س. بعضی در کتاب های خود نوشته اند: «بعضی از مصیبت ها و تظلم ها که برای سیده زهراء مرضیه (علیها السلام) بر منبرها خوانده می شود، از قبیل احراق باب، کسر ضلع، شهادت محسن و شبانه روز گریه و آه و فغان کردن، بعید به نظر می رسد و بعدها برای مصالح سیاسی و برای ایجاد انقلاب بر علیه بنی امیه و بنی عباس توسط شیعیان افراطی ایجاد شده است که در این زمان گفتن این مطالب موجب تفرقه بین مسلمین و باعث ضعف قدرت مسلمین می باشد».

لطفا در این رابطه بیان فرمایید که به طور کلی، تظلم هایی که برای حضرت زهراء (علیها السلام) خوانده می شود صحت دارد یا فقط شهرت است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

بسیاری از این مطالبی که نقل کرده اند از مسلمات است؛ به راستی قبول آنها مایه شگفتی و بسیار سخت است که شقاوت افرادی به مرحله غیر تصویری برسد که چنین اعمالی از آنها، نسبت به چنین شخصیتی که هرچه در عظمت او بگوئیم کم گفته ایم سر بزنند.

آیا آن اعمال موجب تفرقه نشده است ولی نقل آن اتفاقات - آن هم در بین دوستان - موجب تفرقه است؟ خداوند به همه قدری انصاف بدهد.

ص: 105

64. دلیل پنهان بودن قبر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

(*) س. به نظر شما دلیل پنهان بودن قبر دختر گرامی پیامبر اسلام حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) چه می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

دلیل پنهان بودن قبر ایشان روشن تر از آن است که نیازی به بیان داشته باشد، زیرا پنهان بودن مزار دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در حالی که قبور افرادی که از لحاظ مقام از ایشان پایین تر هستند، مشخص می باشد در نزد هر شخصی که به زیارت مدینه منوره می رود و یا تاریخ را مطالعه می کند ایجاد پرسش می نماید؛ و جواب این پرسش را تنها می توان در پژوهش فریادهای حضرتش در طول تاریخ جستجو نمود.

ص: 106

اعلامیه آیت الله روحانی در سالروز شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * السَّلَامُ عَلَى الصَّدِيقَةِ الشَّهِيدَةِ * السَّلَامُ عَلَى مُحْسِنِهَا الشَّهِيدِ * السَّلَامُ عَلَى ضِدِّهَا الْكَسِيرِ * السَّلَامُ عَلَى جَنْبِهَا الْجَرِيحِ * السَّلَامُ عَلَى عَيْنَيْهَا الدَّامِيَةِ * السَّلَامُ عَلَى صَدْرِهَا النَّازِفِ»؛ سلام بر صدیقۀ شهید (علیها السلام)؛ * سلام بر محسن شهید او! * سلام بر دندۀ شکستۀ فاطمه (علیها السلام) در راه حق و عدالت! * سلام بر پهلوی زخم خورده فاطمه (علیها السلام)؛ * سلام بر چشمان خونگرفته او! * و سلام بر سینه خونچکان فاطمه (علیها السلام)!

در این روزهای جانسوز و غمبار، سالروز شهادت حزن انگیز آن هدیه بزرگ خدا به پیامبر، حضرت فاطمه (علیها السلام) - که جان جهانیان به فدای خاک پای او باد - تجدید می گردد، و در آستانه آن

روز، دردها و رنج ها تازه می شود، و ابرها از طنین ندای مظلومیت او به لرزه درآمده و فرشتگان از بزرگی فاجعه، گریان و نالان گشته، و قلب نازنین صاحب الزمان از غم

آری، سالروز شهادت صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است؛ شهادتی غمبار که خدا اراده فرمود تا آن گاه که دنیاخواران دین ستیز برای غصب و غارت، یورش بردند و بر نابودی ندای حق و عدالت و خاموش ساختن آن، توطئه ها چیدند، میزانی دقیق و عادلانه میان حق و باطل و جداسازنده عدالت از فریب و ستم گردد.

شهادت جانسوز بزرگ بانوی تاریخ بشر، صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در آن شرایط دشوار، آن هم با انواع دردها و رنج ها، همچون به آتش کشیدن خانه، شکستن پهلو و دنده، کشتن جنین، زدن و آزدن بازو و پهلو، نواختن سیلی بر چهره و دیده، فشردن ریحانه ارجمند پیامبر (صلی الله علیه و آله) میان در و دیوار، مجروح ساختن سینه، و هتک حجاب آن حضرت رخ داد تا به صورت غریبی ماندگار و فریادی جاودانه در کران تا کران تاریخ برای رسواساختن غاصبان و ظالمان طنین انداز باشد.

آری! در یک جمله می توانیم بگوییم که شهادت صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، از سویی مشعل نورافشان دوستی اهل بیت (علیهم السلام) و از سوی دیگر آتش پرشراره دشمنی با آن خاندان است؛ بر این باور، هر کس راه درست را گم کرده و نمی داند حقیقت و عدالت در خور پیروی و اقتدا کجاست، پیام و رسالت شهادت جانسوز حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) آن است که دست او را بگیرد و وی را به شاهراه امامت آسمانی امیر مؤمنان (علیه السلام) راه نماید و از بیراهه غاصبان و ظالمان دورش سازد.

بر این اساس است که ما همه مسلمانان را در کران تا کران گیتی به مطالعه و پژوهش در رنج ها و مصائب آن بزرگ بانوی ستمدیده، در منابع و مصادر و کتاب های خودشان فرامی خوانیم، تا سنگینی حجم آن رویداد سهمگین و بزرگی آن مصیبت ها را بشناسند، و از انگیزه ها و اسباب آن بجویند تا به آن بخش از حقیقت که بر آنان نهان مانده است، راه یابند؛ همچنان که فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) و شیعیان او را فرا می خوانیم و بر آنان تأکید و اصرار میورزیم که تلاش خود را به

زنده داشتن این رویداد بزرگ و این مصیبت سهمگین چندین و چند برابر سازند؛ چراکه این رویداد غمبار، جداسازنده رهرو مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و شیعه آنان از دیگران است؛ بلکه اگر بگوییم این رویداد عظیم، علت ماندگاری و راز جاودانگی امامت آسمانی

امیر مؤمنان (علیه السلام) و عترت پاک او در گذر زمان است، مبالغه ای نکرده ایم. اما هان ای فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام)! و ای شیعیان آن بانوی بزرگ! از تلاش های فریبکارانه ای که در اندیشه ندیده انگاشتن و به حاشیه راندن این روز و رویداد بزرگ و هدف والای آن و افشاندن بذر تردید در آن است، برحذر باشید؛ چراکه نقشه ندیده انگاشتن و به حاشیه راندن این روز بزرگ و این رویداد عظیم و هدف والای آن، نیرنگ خطیری است که اگر موفق گردد، به زودی اثری بسیار خطرناک بر اساسی ترین رویدادهای تاریخ اسلام و مسلمانان در ارتباط با مرجعیت دینی و خلافت الهی و امامت آسمانی پس از رحلت

سالار پیامبران و آخرین فرستادگان خدا بر جای می نهد.

در پایان، گرم ترین تسلیت های خود را به ساحت مقدس ولیّ الله الأعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء تقدیم می داریم و از خدای بزرگ می خواهیم که ما را زیر پرچم و فرمان او از خونخواهان مادر والایش صدّیقه شهید قرار دهد: «وَإِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

محمد صادق حسینی روحانی

ص: 110

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

